

آموزش زبان کردی

سۆزانی

دستور زبان

گفت و گو

لغات کاربردی

دکتر علی رُخزادی

آموزش زبان کُردی

«سۆرانی»

فیربوونی زمانی کۆردی و سۆرانی

دکتر علی رُخزادی



انتشارات کردستان

سنندج - ۱۳۸۶

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آموزش زبان کُردی

«سۆرانى»



انتشارات کردستان
Kurdistan Publication

سنندج - پاساژ عزتی - تلفن: ۲۲۶۵۳۸۲

آموزش زبان کردی سورانی

نام کتاب:	آموزش زبان کردی سورانی
مؤلف:	دکتر علی رخزادی
نوبت چاپ:	اول: ۱۳۸۶
تیراژ:	۳۰۰۰ جلد
تعداد صفحه و قطع:	۱۲۸ صفحه‌ی رقعی
ناشر:	انتشارات کردستان

شابک: ۹۶۴ - ۷۶۳۸ - ۹۸ - ۱

ISBN: 964 - 7638 - 98 - 1

قیمت:

۱۰۰۰ تومان

رخزادی، علی، ۱۳۳۳ -
آموزش زبان کردی سورانی: (۱) دستور زبان کردی، (۲) گفتگو / علی
رخزادی. - - سندج: انتشارات کردستان، ۱۳۸۵.
۱۷ص. : جدول.

ISBN: 964 - 7638 - 98 - 1 ریال ۱۰۰۰۰

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیپا
عنوان به کردی: فیر بوونی زمانی کوردی سورانی
۱. کردی - - راهنمای آموزشی. ۲. سورانی. ۳. کردی - - دستور.
الف. عنوان.

ک ۹۴

PIR۳۲۵۶۷س۷۲۲۷

کتابخانه‌ی ملی ایران

۱۰۵۴۶ - ۸۵ م

لطفاً پیش از مطالعه کتاب « آموزش زبان کُردی سورانی - تألیف دکتر علی رُخزادی » ، اشکالات ناشی از حروفچینی و تایپ را طبق جدول زیر اصلاح فرمایید .

صفحه	سطر / ستون	عبارت موجود	عبارت درست
۲	۱	رخزادی ، علی ، ۱۳۳۲	رُخزادی ، علی ، ۱۳۳۳
۳	۳	فیزِ بوونی زمانی کوردی و سورانی	فیزِ بوونی زمانی کوردی سورانی
۹	۷	... ده‌بان بن زاراوهِ لی ...	... ده‌بان بن زاراوهِ ...
۱۵	۸ و ۹	چم چال	چم جمال
۲۵	۲	کلمکهای کردی	کلمه‌های کُردی
۳۳	۶ ستون ۲	له خدمه‌تتام	له خدمه‌تتا
۳۵	۳ ستون ۲	له‌گم به‌سمر چاو ...	له‌گم / به‌سمر چاو ...
۵۶	۴ ستون ۲	لوتای تارام ...	لوتاقی تارام ...
۵۷	۱۲ ستون ۲	له‌گه له ...	له‌گهر له ...
۵۷	۱۸ ستون ۲	... نیمه رینوینی بکا ؟	... نیمه رینوینی بکا ؟
۵۹	۷ ستون ۲	هیوادارم سالی کی ...	هیوادارم سالی کی ...
۶۵	۱۷ ستون ۲	سهمهر خه‌ته‌ر	سهمهر خه‌ته‌ر ناکه
۶۹	۱۰ ستون ۲	... تارتورژوت هه یه ؟	تارتورژوت هه یه /
۷۰	۷ ستون ۱	هفتا و هشت کیلو	هفتاد و هشت کیلو
۷۳	۴ ستون ۲	نومیده ارم ...	نومیده وارم ...
۷۳	۸ ستون ۲	... موختره متان	... موختره متان
۷۵	۷ ستون ۲	... باران بواری ؟	... باران بواری ؟
۷۷	۷ ستون ۲	ته وه ی شماره ی ...	ته‌وی شماره‌ی ...
۸۰	۱۲ ستون ۲	شه قامی کمه‌ریه بندی ...	شه قامی کمه‌ریه ندی ...
۸۰	۲۰ ستون ۲	پو کوف ؟	پو کُیف ؟
۸۳	۱۷ ستون ۲	سبه پنی ...	سبه ینِی ...
۸۳	۱۳ ستون ۲	له باره ...	له باره ی ...
۸۹	۹ ستون ۲	لی یه ، دروسه ؟	نی یه ، دروسه ؟
۹۶	۳ ستون ۱	ناوه ز سورشتی یه‌کان	ناوه سورشتی یه‌کان
۹۹	آخر ستون ۱	-	پس از گهل ، نه‌ته‌وه اضافه شود
۱۱۷	۱۲ ستون ۱	یاد می‌گیری - فیزِ له‌بی	یاد می‌گیری - فیزِ له‌بی
۱۱۸	۴ ستون ۱	بی هیز	بی هیز

فهرست

صفحه	عنوان
۹	- سه‌ره‌تا (سرآغاز)
۱۱	- جایگاه زبان کُردی
۱۴	- شاخه‌های زبان کُردی امروز
	- بخش ۱
۱۹	شیوه نوشتن زبان کُردی سورانی
۲۹	تمرین ۱ تا ۴
	- بخش ۲
۳۲	گفتگو
۳۲	۱- آشنایی مقدماتی
۳۵	۲- معرفی دو نفر به یکدیگر
۳۸	۳- پرسش درباره زمان و ساعت
۴۰	۴- احوال پرسشی دوستانه
۴۲	۵- گفتگوی دو نفر کُرد و فارس
۴۵	۶- گفتگوی دو نفر مسافر در اتومبیل
۴۸	۷- گفتگوی دو دانشجوی کُرد و غیرکُرد
۵۲	۸- در بازار
۵۵	۹- در هتل
۵۸	۱۰- عید مبارکی
۶۱	۱۱- تسلیت
۶۲	۱۲- تبریک مراسم عروسی

۶۳	۱۳- خرید روزانه
۶۵	۱۴- آب و هوا در فصل‌ها
۶۸	۱۵- نزد پزشک
۷۱	۱۶- احوالپرسی عادی و دوستانه
۷۲	۱۷- احوالپرسی رسمی و مؤدبانه
۷۴	۱۸- صد عبارت گوناگون و ضروری

-بخش ۳

۹۱	لغات، در موضوع‌های گوناگون کاربردی
۹۱	۱-۱- اعداد اصلی
۹۲	۲-۱- اعداد ترتیبی
۹۳	۲- اعضای بدن
۹۶	۳- روز، ماه، فصل، نام عوامل طبیعی و.....
۹۸	۴- لقب اقوام و فامیل
۱۰۰	۵- لباس و پوشاک
۱۰۲	۶- رنگ‌ها
۱۰۲	۷- طعم و مزه‌ها
۱۰۳	۸- درس و مدرسه و دانشگاه
۱۰۴	۹- خوراک
۱۰۵	۱۰- میوه‌ها
۱۰۶	۱۱- سبزیجات
۱۰۷	۱۲- وسایل خانه
۱۰۹	۱۳- حیوانات و پرندگان
۱۱۱	۱۴- افعال مورد نیاز
۱۱۷	۱۵- واژه‌های مفید دیگر
۱۱۹	-کتابنامه (منابع تاریخی و زبان شناسی)

پیرست^۷

- ۹ سهره تا
۱۱ جیگای زمانی کوردی
۱۴ لقه کانی زمانی کوردی ئەمڕۆ
- بهشی ۱

- ۱۹ شیوازی نووسینی زمانی کوردی سۆرانی
۲۹ راهینانی ۱ تا ۴

- بهشی ۲

- وت و ویژ ۳۲
۱- ناسینی سهره تایی ۳۲
۲- ناساندنی دوو کهس به یه کتر ۳۵
۳- پرسیار سه بارهت به کات و سات ۳۸
۴- هه والپرسی دۆستانه ۴۰
۵- وت و ویژی دوو کهسی کورد و فارس ۴۲
۶- وت و ویژی دوو کهسی موسافر له ماشیندا ۴۵
۷- وت و ویژی دوو خویندکاری کورد و غهیری کورد ۴۸
۸- له بازاردا ۵۲
۹- له هوتلدا ۵۵
۱۰- جهژنه پیرۆزه ۵۸
۱۱- سهرخۆشی ۶۱
۱۲- پیرۆزبایی زه ماوهن ۶۲
۱۳- کپینی رۆژانه (سهندنی رۆژانه) ۶۳

- ۱۴- ئاوو هه‌وا له وه‌رزه‌کاندا. ۶۵
- ۱۵- له لای دوکتوردا. ۶۸
- ۱۶- ئەحوالپرسی ئاسایی و دۆستانه. ۷۱
- ۱۷- ئەحوالپرسی ره‌سمی و به‌ئەده‌به‌وه. ۷۲
- ۱۸- سه‌درسته‌ی جوړاو جوړ و پێویست. ۷۴

- به‌شی ۳

- وشه‌کان، بۆ بابە‌ته‌کانی جوړاو جوړی به‌کاره‌ینان. ۹۱
- ۱- ۱- ژماره‌ سه‌ره‌کی یه‌کان. ۹۱
- ۱- ۲- ژماره‌ روتبی یه‌کان. ۹۲
- ۲- به‌شه‌کانی له‌ش. ۹۳
- ۳- رۆژ، مانگ، وه‌رز، ناوه‌ سو‌روشتی یه‌کان و. ۹۶
- ۴- له‌قه‌بی قه‌وم و که‌س. ۹۸
- ۵- جل و به‌رگ. ۱۰۰
- ۶- ره‌نگه‌کان. ۱۰۲
- ۷- تام و چێژه‌کان. ۱۰۲
- ۸- ده‌رس و مه‌دره‌سه‌ و زانستگه‌. ۱۰۳
- ۹- خو‌ارده‌مه‌نی. ۱۰۴
- ۱۰- میوه‌جات. ۱۰۵
- ۱۱- سه‌وزیجات. ۱۰۶
- ۱۲- ئەسه‌بابی ناوماڵ. ۱۰۷
- ۱۳- ئازهل و بالنده‌کان. ۱۰۹
- ۱۴- کرداره‌ پێویسته‌کان. ۱۱۱
- ۱۵- وشه‌ به‌ که‌لکه‌کانی تر. ۱۱۷
- سه‌رچاوه‌کان. ۱۱۹

سەرەتا

زمانی کوردی ئەمڕۆ بە برۆی هەندێ لە زانیانی پۆژەهەلات ناس و زمانەوانان، یە کێ لە زمانە میژینه کانی هیندوئوروپایی و لە شاخە هەرە بەرزی بنەمالە ئاریایی یە کە ئال و گۆری زەمان بە سەریا هاتوو و گەیان دوویەتی بەم پلە و پایە کە ئیستا تێیدا ئین.

لەم زمانە چوار لقی سەرەکی و پتر لە بیست زاراوە و دەیان بن زاراوەی لێ دروست بوو.

زمانی کوردی ← چوار لقی سەرەکی ← زاراوە کان ← بن زاراوە کان (زبان ← شاخە ← گونه ← گویش (لهجه))

هەر کام لەو لقانە بە شیوازیکی بەربلاو دەوری چالاکیان لە پێک هێنانی فەرھەنگ و ئەدەبی دەولەمەندی کوردە واریدا هەبە. لە تیۆ ئەو چوار لقە سەرەکی یانەدا، لقی کوردی سۆرانی وە ک زمانێ یە کگرتووی کوردی لە ئەمڕۆدا ناسراوە و لە هەموو بوارە کانی سیاسی و ئابووری و فەرھەنگی و کۆمەڵایەتی و زانستیدا پێی دەنووسرێ و قسە ی پێ دەکرێ و پۆژ بە پۆژ لە حالی پەرەسەندن دا یە.

بۆ ئەوێ فێر بوونی زمانی کوردی سورانی لە ئەمڕۆدا وە ک پۆیستی یە ک بۆ
کوردو غەیری کورد چاوی لێ دە کری و سەرنجی خەلکانی بۆ لای خۆی
راکێشاوه.

بەو هۆیه وە ئەم نامیلکه وا لە بەردهستی خوینەری بەرێزدایه، وە کوو
هەنگاوێکی بچوو ک بۆ ناساندن و فێر کردنی سەرەتایی زمانی کوردی
سورانی ئاراسته کراو بە ئێوهی خوشه و یست پیشکەش دە کریت بەو هیوایه که
بتوانی لە پیناوی فێر کردنی زانستی زمانی کوردی، وە کوو زمانێکی میژینه و
دەوله مەند و شیرین کاریگەر بی.

دۆستی ئێوه

ع. رُخزادی



جایگاه زبان کُردی

بر اساس پژوهش‌های علمی و زبان‌شناسی و نیز تحقیقات خاورشناسان، زبان کُردی امروز، بازمانده و تطوّر یافته یکی از شاخه‌های خانواده زبان‌های آریائی است و به دلیل انطباق مناطق کردنشین امروز در خاورمیانه با حوزه جغرافیائی محلّ سکونت مادها، این نظریه قوّت می‌گیرد که زبان کُردی دنباله زبان مادی باستان است.

- «بعضی از دانشمندان را عقیده چنانست که گائۀ زرتشت به زبان مادی است و نیز برخی برآنند که زبان کُردی که یکی از شاخه‌های زبان ایرانی است از باقیمانده‌های زبان مادست.»

(سبک‌شناسی بهار، ج ۱، ص ۵)

- «مینورسکی بر این عقیده است که تمام لهجه‌های بازمانده در زبان کُردی از زبان پایه قدیم و نیرومندی نشأت کرده‌اند و آن زبان مادی است.»

(مینورسکی، به نقل از کُردها، ترک‌ها، عرب‌ها، ص ۱۳ سیسیل جی. ادموندز، ترجمه یونسی)

- پرفسور سایس می‌گوید: مادها عشایر کُرد بوده و در شرق (یعنی غرب ایران امروز) سکونت داشته‌اند و ولایات آنها تا جنوب بحر خزر

ادامه داشته و زبان آنها، آریایی و از نژاد خالص آریایی هستند.
(کُرد و کُردستان به نقل از تحفه ناصری، ص نوزده)
- دارمستتر مستشرق فرانسوی، زبان کُردی را مشتق از زبان مادی می‌داند.

(تحفه ناصری ص بیست)
- هواردت و دارمستتر بر این عقیده‌اند که زبان مادها همین زبان کُردی مَکری بوده است.

(تاریخ مردوخ، ص ۴۱ به نقل از تحفه ناصری ص بیست)
- سیسیل جی. ادموندز می‌گوید: به گمان من بنا بر جهات و موجبات جغرافیایی و زبان شناسی می‌توان گفت کردهای امروزی نمایندگان مادها و سومین سلطنت بزرگ شرق هستند.
(کُردها، ترک‌ها، عرب‌ها، ص ۱۳)

و...

آن چه مسلّم است زبان کُردی دارای یک مجموعه قواعد و تعریف‌های صرفی و نحوی برجسته و چشمگیر است که ویژه این زبان می‌باشد و همین ویژگی‌های خاص صرفی و نحوی آن را از سایر زبان‌های هم‌جوار و موازی خود جدا می‌سازد و اطلاق یک زبان مستقل را بر آن توجیه می‌نماید و به همین اعتبار، در حوزه علم زبان شناسی، کُردی را «زبان» می‌نامند، نه «نیم زبان» یا «لهجه» یا «گوش» طبق آن چه گروهی ناآگاه به علم زبان شناسی می‌پندارند.

در هر حال، زبان کُردی امروز با دامنه‌ای وسیع و متنوع و بالغ بر ۴۰ میلیون نفر گوینده، دارای ۴ شاخه اصلی و چندین گونه و صدها

لهجه است که در همه شاخه‌ها دارای آثار مکتوب غنی در زمینه‌های گوناگون علمی، تاریخی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، ادبی و فرهنگی می‌باشد و روز به روز بر غنا و توسعه و بالندگی آن افزوده می‌شود.

شاخه‌های زبان کُردی امروز و حوزه جغرافیایی هر کدام^(۱)

الف - شاخه کرمانجی شمالی (کرمانجی باکوور)

این شاخه دارای گونه‌های زیر است:

جزیره‌ای، هکاری، بایزیدی، بوتانی، شمدینانی، بادینانی

حوزه جغرافیایی

- ۱- در ترکیه: مناطق کُردنشین جزیره، دیاربکر، ارزروم، بایزید، هکاری، ماردین، بتلیس، وان، آگری، شمدینان و...
- ۲- در عراق: عفره، دهوک، زاخو، عمادیّه، سنجار و...
- ۳- در ایران: اورمیّه، سلماس، ماکو، نقده، برادوست، تَرگُور، مرگُور، و کُردهای خراسان
- ۴- در سوریه: تمام مناطق کُردنشین از جمله: قامیشلی، حَسَکه
- ۵- کُردهای ساکن: ارمنستان، آذربایجان، گرجستان، ترکمنستان و...

۱- به نقل از کتاب «آواشناسی و دستور زبان کُردی» تألیف: د. علی رُخزادی، ص ۳۲.

ب- کرمانجی جنوبی (سۆرانی)

این شاخه دارای گونه‌های زیر است:

مُکریانی، سۆرانی خاص، سنندجی (اردلانی)، جافی

حوزه جغرافیایی

۱- مُکریانی در ایران: مهاباد، بوکان، سردشت، پیرانشهر، نقده، اشنویه

۲- سۆرانی

۱/۲- در عراق: سلیمانیه، کرکوک، اربیل، موصل، رواندز، چم

چال، شقلاوه، کویه، قلعه‌دزه

۲/۲- در ایران: سقز، بانه، مریوان، تکاب

۳- سنندجی (اردلانی): در ایران، سنندج، دیواندره، کامیاران، لیلاخ

۴- جافی

۱/۴- در عراق: شهرزور، کرکوک، کلار، کفری

۲/۴- در ایران: جوانرود، روانسر، سرپل ذهاب، ثلاث باباجانی

ج- کرمانشاهی - لُری

این شاخه دارای گونه‌های زیر است:

کرمانشاهی، لُری، فیلی، لکی، بختیاری

حوزه جغرافیایی

۱- کرمانشاهی

۱/۱- در ایران: کرمانشاه، دالاهو، صحنه، کنگاور، قصرشیرین،

هرسین، سنقر، کلیایی، اسلام‌آباد، قروه، بیجار، ایلام، ایوان، آبدانان،

مهران، دهلران

۲/۱- در عراق: خانقین، مندلی، نواحی بدره و...

۲- کُری، فیلی، لکی، بختیاری

در ایران: کُرستان، پشتکوه، پیشکوه، بخشی از ایلام و...

د- گورانی - زازایی

این شاخه دارای گونه‌های زیر است:

گورانی (اورامی)، زازایی

حوزه جغرافیایی

۱- گورانی (اورامی)

۱/۱- در ایران: اورامان تخت شامل جنوب مریوان، ژاورود.

اورامان لهون شامل پاوه، نوسود، نودشه

۲/۱- در عراق: حلبچه، بیاره، توپله، منطقه زنگنه و کاکه‌یی در

کرکوک

۲- زازایی

در ترکیه: بخشهایی از مناطق: بین‌گول، دیرسیم، خارپوت، معدن،

ارزنجان، دیاربکر، اورفا، بتلیس

یادآوری - در مناطقی که برای هرکدام از شاخه‌های زبان کُردی به طور

اختصاصی ذکر شده است، گویندگان سایر شاخه‌ها نیز کم و بیش

وجود دارند و آن چه بیان شده است، صرفاً بر اساس اکثریت

گویندگان هر شاخه در هر منطقه است.



آن چه در این دفتر ذیل نام «آموزش زبان کُردی سورانی» یا «فیژ بوونی زمانی کوردی سورانی» آمده، مربوط به شاخه کُردی کرمانجی جنوبی (سورانی) است که امروز به عنوان زبان معیار یا «زمانی یه کگرتوو»ی کُردی شناخته شده و اکثر قریب به اتفاق کُرد زبانان در همه شاخه‌ها با آن تکلم می‌کنند و از طریق آن تفهیم و تفاهیم عمومی صورت می‌گیرد و در رسانه‌های گروهی کُردی از آن استفاده می‌شود. همان گونه که پیشتر اشاره شد، در هر چهار شاخه زبان کُردی امروز، آثار مکتوب و مدوّن در ساختار نثر و شعر و نوشته‌های گوناگون علمی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و ادبی وجود دارد و این تلاش مستمر هر روز بر توسعه و گسترش زبان کُردی می‌افزاید و موجب شده است تا این زبان در همه جهان شناخته شود.

به همین دلیل ایجاب می‌نماید تا زبان کُردی، چون دیگر زبانهای زنده عالم، به طریقی سهل و ساده و در عین حال علمی، مورد آموزش قرار گیرد تا کُرد و غیر کُرد بتوانند آن را به صورتی زود یاب بیاموزند و با آن تکلم کنند.

این مجموعه در جهت آموزش مقدماتی زبان کُردی بخصوص مکالمه این زبان فراهم گردیده است. کوشیده‌ایم تا از ساده‌ترین عبارتهای روزمره و واژه‌های کاربردی مناسب در بخش‌های گوناگون شروع کنیم، و چون زبان فارسی برای غالب خوانندگان در این حوزه مفهوم و قابل درک و دریافت است، بنابراین ابتدا عبارتها و کلمات به زبان فارسی نوشته شده، سپس ترجمه و معادل آنها به زبان کُردی آمده است. قابل ذکر است که در کنار زبان کُردی سورانی معیار، همان

عبارات و واژه‌ها به گونه کُردی سنندجی نیز - اگر تفاوتی محسوس با سورانی معیار داشته باشد - آمده است.

با امید به این که کتاب حاضر برای خوانندگان عزیز، مفید واقع شود و علاقه‌مندان از طریق آن بتوانند با یکی از زبانهای زنده و دلنشین امروز یعنی زبان کُردی آشنا شوند.

دوستدار شما: ع. رخزادی

بخش ۱

به‌شی ۱

شیوه نوشتن زبان کُردی سۆرانی / شیوازی نووسینی زمانی کوردی سۆرانی

در زبان کُردی امروز دو الفبا برای نوشتن به کار می‌رود:

۱- کُردی کرمانجی شمالی (باکوور) و زازائی را با الفبای لاتین می‌نویسند.

۲- کُردی کرمانجی جنوبی (سۆرانی) و کُردی گورانی (اورامی) و کرمانشاهی و لُری را با الفبای عربی می‌نویسند.
آن چه به بحث ما مربوط است، شیوه نوشتن زبان کُردی سۆرانی و الفبای آن است.

حروف در کُردی سۆرانی

در زبان کُردی ۲ دسته حرف وجود دارد:

الف - مصوّت‌ها (Vowels)

ب - صامت‌ها (Consonants)

الف - مصوّتها

حروف مصوّت ۲ دسته‌اند: مصوّتهای کوتاه ۳ مورداند (و معادل حرکت‌های عربی می‌باشند) و عبارتند از: (ـَ، ـِ، ـُ) و آنها را در خطّ کُردی با نشانه‌های زیر می‌نویسند:

ـَ با نشانه «ه» و آوانگاری لاتینی (a)

ـِ بدون نشانه و آوانگاری لاتینی (e)

ـُ با نشانه «و» و آوانگاری لاتینی (o)

مانند: حَسَن ← در خط کُردی می‌نویسند: «حه‌سه‌ن» و آوانگاری: **hasan**

دِل ← در خط کُردی می‌نویسند: «دلّ» و آوانگاری: **deĭ**
 کُرد ← در خط کُردی می‌نویسند: «کورد» و آوانگاری:

Kord

مصوّتهای بلند ۵ حرف‌اند و عبارتند از: (ا، و، ی، ئ، و) با آوانگاری: **ā, u, i, ē, ō**
 مانند:

ا	←	پا	با آوانگاری	pā
وو	←	سوور (= سرخ)	با آوانگاری	sur
ی	←	سی (= عدد سی)	با آوانگاری	sī
ئ	←	شیر (= شیر جنگل)	با آوانگاری	šēr
ۆ	←	بۆ (= بو)	با آوانگاری	bō

بنابراین در زبان کُردی ۸ حرف مصوَّت، طبق جدول زیر، وجود دارد:

ردیف	مصوَّت	آوانگار	نوع مصوَّت	مثال کُردی	خط فارسی و معنی
۱	اَ = ه	a	کوتاه	ره‌سه‌ن	رَسَن = اصیل
۲	اِ = ـِ	e	کوتاه	لانِک	لانک = گهواره
۳	او = ـُ	o	کوتاه	کوردستان	کُردستان = کردستان
۴	اَ	ā	بلند	بار	بار = بار
۵	وو	u	بلند	توو	توت = توت
۶	ی	i	بلند	پی	پیه = پیه
۷	ئِ	ē	بلند	شیر	شیر = شیر
۸	وُ	ō	بلند	بۆر	بور = بور

یادآوری چند نکته در مورد مصوَّت‌ها

- ۱- مصوَّت کوتاه اَ در رسم الخط کُردی نشانه‌ای ندارد.
- ۲- آوای فتحه اِ در کلمه‌های کُردی به صورت «ه» نوشته می‌شود:
سَرِد ← سِه‌رد
- ۳- آوای ضمه اُ در کلمه‌های کُردی به صورت «و» نوشته می‌شود:
تُرَش ← توره‌ش
- ۴- آوای کوتاه اِ در اوّل و آخر کلمه‌های کُردی نمی‌آید.
- ۵- آوای کوتاه اُ در اوّل و آخر کلمه‌های کُردی نمی‌آید.
- ۶- هیچکدام از مصوَّت‌های ۸ گانه زبان کُردی در آغاز کلمه‌ها نمی‌آیند.
- ۷- مصوَّت‌های بلند (ی، ئِ، ا، وُ، وو) همواره دومین حرف کلمه یا هجا

هستند. مانند: (تیر، تیر، چاک، تۆز، دوو)

۸- سه مصوّت بلند (ی، ا، و) زبان کُردی از نظر تلفّظ مانند معادل‌های آنها در زبان فارسی هستند و هیچ تفاوتی با آنها ندارند.

مانند:	در کُردی: شیر (خوراکی)	در فارسی: شیر
	در کُردی: پار	در فارسی: پار (پارسال)
	در کُردی: نوور	در فارسی: نور

تلفّظ «نور» در کُردی و فارسی برابر است امّا در رسم الخط کُردی، مصوّت بلند (و) را با دو «و» نشان می‌دهند.

۹- دو مصوّت بلند (ی، و) کُردی، در فارسی امروز وجود ندارند و در تلفّظ کُردی معادل‌اند با (ی، و) مجهول فارسی دری. بنابراین برای نشان دادن تلفّظ آنها و متفاوت بودنشان با نشانه‌های مشابه، روی این دو حرف علامتِ (ـَ) قرار می‌دهند.

مانند:	در کُردی: گِج	در فارسی: گِج
	در کُردی: شیر (حیوان)	در فارسی: شیر
	در کُردی: بۆر	در فارسی: بور
	در کُردی: شوخ	در فارسی: شوخ

۱۰- ویژگی دهان در تلفّظ این دو حرف (ی، و) کُردی چنین است:
 ـ ی: لبها نیمه‌باز و گسترده کشیده است و زبان به پیش می‌آید و در وسط برافراشته می‌شود.

- و: لبها گِرد باز است و عقب زبان به نرم کام (انتهای سقف دهان) نزدیک می شود.

- چگونگی تلفظ این دو حرف را باید از گُرد زبانان یاد گرفت و لازم است به آهنگ این دو حرف به طور مکرر گوش سپرد.

ب- صامت‌ها

در زبان کُردی ۲۹ حرف صامت به شرح زیر وجود دارد.

شماره	تصویر خط کُردی	نشانه آوانگار	شماره	تصویر خط کُردی	نشانه آوانگار
۱	ء	?	۱۶	ع	?
۲	ب	b	۱۷	غ	γ
۳	پ	p	۱۸	ف	f
۴	ت	t	۱۹	ث	v
۵	ج	J	۲۰	ق	q
۶	چ	č	۲۱	ک	k
۷	ح	h	۲۲	گ	g
۸	خ	x	۲۳	ل	l
۹	د	d	۲۴	لْ	ľ
۱۰	ر	r	۲۵	م	m
۱۱	رْ	ṛ	۲۶	ن	n
۱۲	ز	z	۲۷	و	w
۱۳	ژ	ž	۲۸	ه	h
۱۴	س	s	۲۹	ی	y
۱۵	ش	š			

یادآوری‌های لازم در مورد صامت‌ها

۱- در جدول صامت‌های زبان کُردی، حرفهای (ث، ص، ض، ذ، ظ، ط) وجود ندارد و در رسم الخط کُردی نیز از آنها استفاده نمی‌شود و برای نشان دادن این حرفها از معادل آوایی آنها در خط کُردی بهره می‌گیریم.

ثروت	←	در خط کُردی نوشته می‌شود: سه‌روه‌ت
صبر	←	در خط کُردی نوشته می‌شود: سه‌بر
ضرر	←	در خط کُردی نوشته می‌شود: زهره‌ر
لذیذ	←	در خط کُردی نوشته می‌شود: له‌زیز
ظاهر	←	در خط کُردی نوشته می‌شود: زاهر
خط	←	در خط کُردی نوشته می‌شود: خه‌ت

لذا برای حرفهای (ث، ص) در خط کُردی از حرف (س) استفاده می‌شود.

برای حرفهای (ض، ذ، ظ) در خط کُردی از حرف (ز) استفاده می‌شود.

برای حرف (ط) در خط کُردی از حرف (ت) استفاده می‌شود.

۲- در جدول فوق سه حرف (پ، ف، ل) دیده می‌شود که مخصوص زبان کُردی‌اند و دارای ویژگیهای زیر می‌باشند:

□ «ر»

○ با نشانه (پ) در زیر آن، به نام «پ» سخت (fortis) شناخته شده است.

- این حرف در آغاز، وسط، و پایان کلمه‌های کُردی قرار می‌گیرد.
 - آهنگ تلفّظ آن به نسبت «ر» نرم، غلیظ‌تر است.
 - در تولید آن، زبان چند بار لرزش پیدا می‌کند.
 - حرف «ر» در آغاز کلمه‌های کُردی همواره «ر» سخت است نه نرم.
 - معادل این حرف، در زبان فارسی، با این آهنگ تلفّظ وجود ندارد، بلکه معادل آوایی و خطّی آن در فارسی، همان «ر» نرم است. مانند:
- ران ← در فارسی : ران
که‌ر ← در فارسی : گر (ناشنوا)

□ «ف»

- این حرف در تلفّظ کُردی، معادل تلفّظ (v) انگلیسی در کلمه (vowel) و «و» فارسی در کلمه‌های (اوّل)، (وَرِد)، (سَرو) است.
- کاربرد این حرف در کُردی سورانی به نسبت کُردی کرمانجی شمالی محدود است.

مثال: گوڤار به معنی مجله
مروڤ به معنی مردم

□ «لّ»

با نشانه (ـَ) در بالای آن، به نام «لّ» سخت (fortis) شناخته شده است.

○ این حرف در آغاز کلمه‌های زبان کُردی قرار نمی‌گیرد و آن چه در اوّل کلمه می‌آید «ل» نرم (lenis) است.

○ این حرف در وسط و پایان کلمه‌های زبان کُردی قرار می‌گیرد.

○ تلفّظ این حرف در زبان کُردی معادل «ض» زبان عربی است.

○ این حرف کُردی در زبان فارسی معادل آوایی ندارد و معادل آوایی و خطّی آن، همان «ل» نرم است مانند: گولّاو ← در فارسی: گلاب.
دل ← در فارسی: دل

○ در تولید آن، آوای حرف از یک کنار دهان ایجاد می‌شود و یک کناری نام دارد.

۳- دو حرف (و) [شماره ۲۷] و (ی) [شماره ۲۹] اگرچه به ظاهر شبیه حرفهای مصوّت پیشین‌اند، امّا با این ویژگی از مصوّتها جدا می‌شوند:
○ این دو حرف در اوّل کلمه‌های کُردی قرار می‌گیرند و از این لحاظ جزو صامت‌ها هستند، در حالی که مصوّت‌های زبان کُردی در اوّل کلمه‌ها قرار نمی‌گیرند.

مانند: ورچ werč (= خرس) / وینه wēna (= عکس)

یار yār (= یار) / یه‌ک yak (= یک)

بنابراین، اگر در آغاز کلمه‌ای کُردی حرف (و) و (ی) قرار بگیرد، صامت‌اند.

○ حرف (ی) صامت در آخر کلمه‌های کُردی نمی‌آید.

۴- حرف همزه (ء) در ترکیب با مصوت‌های بعد از خود به صورتهای زیر نوشته می‌شود:

ئا، ئه، ئو، ئی، ئی، ئۆ

مانند: ئاو (= آب)، ئه‌گه‌ر (= اگر)، ئوستا (= استاد)، ئیش (= کار)، ئیش (= درد)، ئۆخه‌ی (= آخیچ)

۵- حرف مشدّد در خط‌گردی به صورت دو حرف نوشته می‌شود:

خُرّم ← در‌گردی : خورره‌م

مکّه ← در‌گردی : مه‌که

در زبان‌گردی غالباً تشدید را در تلفّظ حذف می‌کنند:

مَنْت ← در‌گردی می‌گویند : منه‌ت

اوّل ← در‌گردی می‌گویند : هه‌وه‌لّ

البته ← در‌گردی می‌گویند : ئه‌لبه‌ت



جدول حرفهای مشابه در رسم الخط کُردی و راه تشخیص آنها

حرف	نوع	جایگاه در کلمه	مثال
و	نشانه ضمه	در اوّل و آخر کلمه نمی آید	گول، کورد
و	حرف صامت	در اوّل، وسط و آخر کلمه می آید	ورچ، گه و ره، تاو
ۆ	مصوّت بلند	در اوّل کلمه نمی آید	بۆر، درۆ
وو	مصوّت بلند	در اوّل کلمه نمی آید	سوور، توو
ی	مصوّت بلند	در اوّل کلمه نمی آید	تیر، پی
ئ	مصوّت بلند	در اوّل کلمه نمی آید	شیر، شئ
ی	حرف صامت	در اوّل و وسط کلمه می آید	یار، به یین
ر	حرف صامت	در اوّل کلمه نمی آید	به رد، سهر
ر	حرف صامت	در اوّل، وسط و آخر کلمه می آید	رۆن، گۆران، شپ
ل	حرف صامت	در اوّل، وسط و آخر کلمه می آید	لار، په له، شل
ل	حرف صامت	در وسط و آخر کلمه می آید	گولآله، دل

یادآوری: برای آشنایی بیشتر با این حروف، و سایر حرفهای زبان کُردی به کتاب «آواشناسی و دستور زبان کُردی» تألیف نویسنده این خودآموز مراجعه شود.

تمرین ۱

چند عبارت و بیت فارسی از گلستان سعدی با برگردان به خط کُردی - با دقت دو شیوه نوشتن فارسی و کُردی را مقایسه کنید.
«مَنْتَ خدای را، عَزَّ وَجَلَّ، که طاعتش موجب قربتست و به شکر اندرش مزید نعمت»

خط کُردی: مِمنهت خودای را، عه ززه وه جه لله، ک تاعه ته ش مووجب قوربه ته ست و ب شوکر ئه نده ره ش مه زید نعمه ت.

* * *

«هر نَفْسی که فرو میرود مُمِدَّ حَیَاتِست و چون برمی آید مفرّح ذات»
خط کُردی: هه ر نه فه سی ک فوروو می ره وه د مومدد حه یاته ست و چون بهر می ئایه د موفه رره ح زات.

* * *

«پس در هر نَفْسی دو نعمت موجودست و بر هر نعمتی شکری واجب»

خط کُردی: په س ده ر هه ر نه فه سی دو نعمه ت مه وجوو ده ست و بهر هه ر نعمه تی شوکری واجب.

* * *

«از دست و زبان که برآید کز عهده شکرش بدر آید»

خط کُردی:

ئه ز ده ست و زه بان ک بهر ئایه د که ز عوه ده ی شوکره ش بدهر ئایه د

* * *

«بَنده هَمان به که ز تَقْصیر خویش
عُذر به دَرگاه خدای آوَرَد
وَرَنه سزاوار خُداوَنَدیش
کَس نَسَوَانَد که به جای آوَرَد»
خط کُردی:

به‌ندِ هَمان به که ز ته‌قسیر خویش عوزر ب ده‌رگاه خودای ئاوه‌ره‌د
وهر نه سزاوار خوداوه‌ندییه‌ش که‌س نه‌ته‌وانه‌د که ب جای ئاوه‌ره‌د
* * *

تمرین ۲

این کلمه‌ها را به خط کُردی بنویسید:
وظیفه - خطا - غیب - گبر - ترسا - عَصاره - تَتِمّه - مُحَمَّد - جَلّ و علا -
تَضَرُّع - بَرآوَرْدَن - اُمید - آرزو - بَحر - دَریا - غم‌انگیز - دست انداختن -
لَذت بخش - دَر بَسْتَن - ثُریّا.

تمرین ۳

این دو بیت را به خط کُردی بنویسید:
ای برتر از خیال و قیاس و گمان و وهم
وز هرچه گفته‌اند و شنیدیم و خوانده‌ایم
گر کسی وصف او ز من پرسد
بی دل از بی‌نشان چه گوید باز

تمرین ۴

این کلمه‌های کُردی را درست بخوانید و به خط فارسی بازنویسی کنید.

ئەرخەوان - قەوم و خویش - فروشتن - جەمال - موعامەلە - گۆل -
نەرۆز - جەژن - حەدیس - ئەلماس - ئاسن - بەفر - عەمارەت -
سەولەت - دەولەت - خوررەم - بەیاز - حەقیقەت - خەجالەت -
خزمەت - تەخسیر - ئەلۆەند - شەش - مەولەوی - فێردەوسی

بخش ۲

به‌شی ۲

گفتگو / وت و وێژ

- در این بخش به «گفتگو» و «مکالمات روزمره» می‌پردازیم در ستون دوم، کُردی سورانی معیار و کُردی سنندجی به ترتیب آمده است.

۱- آشنایی مقدماتی	ناسینی سه‌ره‌تایی / ناسین سه‌ره‌تایی
فارسی	کُردی سورانی معیار / کُردی سنندجی (سنه‌یی)
- سلام	- سه‌لام / سلام
- صبح به خیر	- پوژ باش / به‌یانیت باش
- ظهر به خیر	- نیوه‌پوژ باش / نیمه‌پوژ به‌خیڤ
- عصر به خیر	- ئیواره‌ت باش / ئیواره‌ت به‌خیڤ
- شب به خیر	- شه‌و باش (شه‌وت باش) / شه‌و به‌خیڤ
- وقت به خیر	- ئەم کاته‌ت باش / وه‌خت به‌خیڤ
- حالت حطه، است؟	- حالت حه‌ نه؟ / حالت حه‌ نه؟

- چۆنی؟ / چۆنی؟	- چطوری؟
- باشی؟ / خاسی؟	- خوبیی؟
- سوپاست ده کهم، خراب نیم / مه منوونم خراو نیم	- متشکرم، بد نیستم
- تۆ چۆنی؟ / تۆ چۆنی؟	- شما چطوری؟
- ئیوه چۆن؟ / ئیوه چۆن؟	- شما چطورید؟
- هه مووتان باشن؟ گشت لایه کتان خاسن؟	- همه شما خوبید؟
- شوکر بۆ خوا / شوکر بۆ خوا	- الحمد لله
- هیوادارم هه میشه سه لامهت بی / ئومیده وارم ههر خوهش بی	- امیدوارم همیشه سالم باشید
- له بنه ماله ی به پزتان چ خه بهر؟ / له خانه واده ی موختره متان چ خه وهر؟	- از خانواده محترم چه خبر؟
- سه لامه تن، عهرزی سلاویان هه به. / سلا مه تن، سلام عهرز ته کهن	- سلامت اند، عرض سلام دارند
- چۆن بوو، ته شریف بۆ ئیره هینا؟ / چۆن ته شریفان بۆ ئیره هاورد؟	- چطور شد اینجا تشریف آوردید؟

- هه ندى کارى (ئیشى) ئیداریم بوو
که مێ کار ئیداریم بوو

- کمى کار ادارى داشتم.

- ئە گەر کارێک لە من بەردى
ئە گەر کارى لە دەس من بەرتى هام
لە خدمە تتام / لە خزمە تتا

- اگر کارى از من ساخته است
در خدمتم.

- زۆر سوپاس، موشکێله یه ک نى یه
فهره مه منوون، موشکێک نى یه

- بسیار ممنونم، مشکلی نیست

- ئیستا بهرنامه ت چیه؟ /
ئیه بهرنامه ت چهس؟

- حالا برنامه ات چیست؟

- هام به دواى ئیشه کانمه وه /
هام به شۆن کاره کانمه وه

- دنبال کارهایم هستم.

- دواى ئیشه کانت ته شریف بینه بو
مالى ئیمه / دواى کاره کانت
ته شریف بێرا بو مال ئیمه

- پس از کارهایت به منزل ما بیا

- سوپاس، عهزیه تتان نادهم /
مه منوونم موزاحم ناوم

- ممنونم، زحمت نمی دهم

- چ عهزیه تى، خوشحال ئه بین /
چ زه حمه تى خواهش حال ئه بین

- چه زحمتی، خوشحال می شویم

- به چشم، پس از کارهایم حضور می‌رسم	- به چاوان، دواى ئیشه کانم خدمت ئه گهم به سەر چاو، دواى کاره کانم تیم بۆ خز مه تتان
- ساعت ۱۲ همدیگر را می‌بینیم	- سه‌عاتی دوازده یه کتر ئه‌بینین / سه‌عات دوانزه یه کتر ئه‌وینین
- پس فعلاً خدا حافظ	- ئیتر ئیستا خواحافیز / ئیتتر ئیسه خواحافز
- خدا نگهدار	- خودات له گه‌ل / خوانگادار

۲- معرّفی دو نفر به یکدیگر ناساندنی دوو کهس به یه کتر /
ناشناکردن دوو نه‌فه‌ر به یه کتر

فارسی	کوردی
- ببخشید، آقای پرویزی را معرّفی می‌کنم	- ببووره، ئاغهی په‌رویزی تان پی ده‌ناسینم / بوه‌خشه، ئاغهی په‌رویزی مو‌عه‌ره‌فی ئه‌که‌م
- سپاسگزارم، از آشنائی با شما خوشوقتم	- سوپاس، له ئاشناییتان خوشحالم - سپاسگوزارم، له ئاشناییتان خوه‌شحالم

- آقای کریمی را معرفی می‌کنم.
- ئاغهی که‌ریمی تان پیی ده‌ناسینم /
ئاغهی که‌ریمی موعه‌ره‌فی ئه‌که‌م

- خوش‌حال‌م / خوش‌حال‌م

- جناب کریمی! اجازه می‌فرمائید
بپرسم در کجا کار می‌کنید؟
- جه‌نابی که‌ریمی ئیزن ئه‌ده‌ی
بپرسم له‌کوی ئیش ده‌که‌ی؟ /
جه‌ناب که‌ریمی ئی‌جازه ئه‌فه‌رموی
بپرسم له‌کوی کار ئه‌که‌ی؟

- خواهش می‌کنم، من معلّم
دبیرستان هستم
- تکایه، من مامۆستای ناوه‌ندیم /
- خواهیش ئه‌که‌م من موعه‌لم
ده‌بیرستانم

- جناب‌عالی به چه کاری مشغول هستی؟
- جه‌نابت به‌چه ئیشی‌که‌وه
سه‌رقالی؟ / جه‌نابتان به‌چه کاری‌که‌وه
سه‌رگه‌رمن؟

- من در بازار کار می‌کنم
- من له‌بازاردا ئیش ده‌که‌م /
من له‌بازارا کار ئه‌که‌م.

- موفق باشید
- پیروزی / موه‌فه‌ق بی

- وضع بازار چطور است؟
- وه‌زعی بازار چۆنه‌؟ /
وه‌زع بازار چۆنه‌؟

- بد نیست	- خراپ نی یه / خراو نی یه
- شما با درس و مدرسه چطوری؟	- ئیوه له گه‌ڵ ده‌رس و مه‌کته‌بدا چۆنن؟ - ئیوه له ته‌ک ده‌رس و مه‌دره‌سا چۆنن؟
- ای، ما نیز راضی هستیم	- ئه‌ی، ئیمه‌ش رازین / ئه‌ی، ئیمه‌یش رازین
- امیدوارم باز هم همدیگر را ببینیم	- هیوادارم دووباره یه‌ک ببینینه‌وه - ئومێده‌وارم دووباره یه‌کتر بوینینه‌وه
- به امید دیدار	- به هیوای دیدار / به ئومێد دیدار
- خدا حافظ	- خودا حافیز / خوا حافز
- خدا به همراه	- خودات له گه‌ڵ / خوا هامرات

۳- پرسش درباره زمان و ساعت پرسیار سه بارهت به کات و سات

فارسی	کُردی
- ببخشید ساعت چند است؟	- ببوره سه عات چه نده؟ / بوه خشه سه عات چه نیکه
- یک ربع به هشت	- چاره کی به هشت / ههشت روبع کهم
- ساعت ۱۲ است	- سه عات دوازده یه / سه عات دوانزه س
- چهار بعد از ظهر	- چوار دواى نیوه پو / چوار دواى نیمه پو
- پنج و ربع	- پینج و چاره ک / پهنج و روبع
- سه و نیم	- سی و نیو / سی و نیم
- هفت و چهل دقیقه	- ههوت و چل قوله ک / ههفت و چل ده قیقه
- سه تمام	- سی تهواو / سی تهواو

- چه ندی مانگه؟ / چه نی بورجه؟

- شه شی مانگه / شه ش بورجه

- ئەمە چ مانگیکه؟ /

ئەمە چ مانگیکه؟

- مانگی جوژهردانه /

مانگ جوژهردانه

- که ی ده چی بو سه فەر /

که ی ئە چی بو سه فەر؟

- هه وه لی هاوین / ئە وه ل تاوسان

- سبه ی (به یانی) که ی دی؟ /

سبحا که ی نی؟

- عه سر دیم / عه سر تیم

- ئیواره دیم / ئیواره تیم

- پیش نیوه پۆ دیم /

به ر له نیمه پۆ تیم

- چندم برج است؟

- ششم برج است.

- این چه ماهی است؟

- ماه خرداد است؟

- کی به مسافرت می روی؟

- اوّل تابستان

- فردا کی می آیی؟

- عصر می آیم

- نزدیک غروب خواهم آمد

- پیش از ظهر می آیم

- بعد از ظهر	- دواى نیوه پوۆ / دواى نیمه پوۆ
جمعه بهتر نیست؟	- ههینی باشترنی یه؟ / جومعه خاسترنی یه؟

٤- احوال پرسى دوستانه	ههوال پرسى دوستانه
فارسی	کُردی
- سلام فریدون، چطوری؟	- سه لام فه ره یدون، چۆنی؟ / سلام فه ره یدون، چۆنی؟
- سلام پرویز، حال شما چطور است؟	- سه لام په رويز، حالت چۆنه؟ / سلام په رويز، حالۆ چۆنه؟
- چه کار می کنی، پیدات نیست؟	- چی ته که ی، دیارت نییه؟ / چا که ی، (چه ته که ی)، دیار نیت؟
- چه کار کنم، می آیم و می روم	- چی بکه م، دیم و ته پوۆم / چه بکه م، تیم و ته چم
- شما چه کار می کنی؟	- تو چی ته که ی؟ / تو چه ته که ی؟

- راستی حالا کجا مشغولی؟

- راستی ئیستا له کوی سهرقالی؟ /
راسی ئیسه له کوی کار ته که ی؟

- به کار تجارت مواد خوراکی
مشغولم

- ئیشی تیجاره تی چت و مه کی
خواردده مه نی ته که م / خه ریک
تجاره ت چت گهل خواردده مه نیم

- بازارش چطور است؟

- بازاری چۆنه؟ / بازاری چۆنه؟

- خوب است، مواد خوراکی
فروش دارد

- باشه، چتی خواردده مه نی فروشی
هه به خاسه، چت خواردده مه نی
فروشی هه س

- شریک داری یا تنهائی؟

- شه ریکت هه به یا ته نه ای؟ /
شه ریکت هه س یا ته نی ای؟

- تنها هستم، برای خودم کار
می کنم

- ته نه ام، ئیش بو خۆم ته که م /
ته نی ام، کار بو خوه مه که م

- راستی شما، هنوز دانشگاه را
تمام نکرده ای؟

- راستی تو هیشتا زانستگه ت ته واو
نه کردوه؟
- راستی تو هیشتا دانشگاهات ته واو نه کرگه؟

- امسال تمام می شود

- ئیمسال ته واو ئه بی /
ئیمسال ته واو ئه وی

- دواپی چی ئه کهی؟ / دواجار چه ئه کهی؟	- بعد چه کار می کنی؟
- دیم بۆ تیجارهت خانه کهی تۆ دهست به کار ئه بۆم / تیم بۆ تجارهت خانه کهی تۆ کار ئه کهم	- می آیم تجارت خانه شما استخدام می شوم
- پاو پیلالت بان چاو / قامت بان چاو	- قدمت روی چشم
- با پروین به سته نی بخوین / با پروین به سته نییه ک بخوهین	- برویم یک بستنی بخوریم

وت و ویزی دوو که سی کورد و فارس	هه گفتگوی دو نفر کُرد و فارس
کُردی	فارسی
- سه لام دۆستی خوشه ویست / سلام دۆس عزیز	- سلام دوست عزیز
- سه لام له منه وه / سلام له من	- سلام از من
- تۆ کوردی؟ / تۆ کوردی؟	- شما کُرد هستید؟

- خێر، من فارس / خێر من فارس

- ئەزانی کوردی قسه بکهی؟

- نازانم، بەلام پێم خوشه فێر بێم

- نازانم، وهلی حهزه کهم فێر بێم

- ئەگەر ماوه یه ک له کوردستاندا

ببی، فێر ئەبی

- ئەگەر بهینی له کورسانا بی، فێر ئەوی

- هیوادارم / ئومیده وارم

- ئەم شارهت پێ خوشه /

ئەم شاره پێ خوه شه؟

- زۆر شارێکی باشه / فره شارێ خاسه

- خه لکی چۆنه؟

- خه لکیکی خوین گهرم و میوان

دۆستی هه به

- خه لکی خوین گهرم و میوان

نه وازی ههس

- خیر، من فارس هستم

- می دانی کُردی حرف بزنی؟

- نمی دانم ولی دوست دارم یاد

بگیرم

- اگر مدتی در کردستان بمانی

یاد می گیری

- امیدوارم

- از این شهر خوشت می آید؟

- بسیار شهر خوبی است

- مردمانش چطور؟

- مردمانی خون گرم و مهمان نواز

دارد؟

- به بازار این شهر رفته‌ای؟	- پوڤشتوی بو بازارێ ئەم شارە؟ چووگی بو بازارێ ئەم شارە؟
- نرفته‌ام، دلم می‌خواهد بروم	- نه‌پوڤشتووم، هه‌ز ئە که‌م پرۆم / - نه‌چووگم، هه‌ز ئە که‌م بچم
- گردشگاهها و پارکها چطور؟	- سه‌یران‌گه‌ کان و پارکه‌ کان چۆن؟ / - سه‌یاچه‌تگا کان و پارکه‌ کان چۆن
- امروز قرار است بروم چند پارک	- ئەم‌پروۆ قه‌راره‌ پرۆم بو چهن پارک - ئیم‌پروۆ قه‌راره‌ بچم بو چهن پارک
- امیدوارم به شما خوش بگذرد	- هیوادارم به‌ خوۆشی / ئومید‌ه‌وارم به‌ خووه‌شی
- یادت باشد موزه را هم ببینی	- له‌ بیرت بێ مۆزه‌خانه‌یش ببینی / - له‌ بیروۆ بێ موزه‌یش بوینی
- چشم در برنامه‌ام خواهم گذاشت	- به‌ سه‌ر چاو، له‌ به‌رنامه‌م‌دا دای‌ئه‌تیم / - بان چاو له‌ به‌رنامه‌م‌دا دای‌ئه‌نم
- از دیدن و آشنایی با شما خوشحال شدم	- له‌ دیتن و ئاشنا بوون له‌ گه‌ل ئێوه‌دا خوۆش‌حال بووم / - له‌ چاو پێ‌که‌وتن و ئاشنا بوونتان خوه‌ش‌حال بووم

- منیش ههروا - کات و ساتیکی خوش تان بیی / کات و ساتی خواهش - به سپاسه وه خوداتان له گهڵ / فره سپاس، خواحافز	- من هم همچین - لحظه و ساعاتی خوش داشته باشی - با سپاس فراوان خداحافظ
وت و ویژی دوو کهس له ماشین دا	ع- گفتگوی دو نفر مسافر در اتومبیل
گردی - سه لام، ببوره ژماره ی سه نده لی من ده یه / - سلام بوه خشه ژماره ی سه نده لی یه که ی من دهس - سه لام له مـنه وه، ببوره وه کوو چتی من هه له دانیش تووم. - سلام له من، بوه خشه وه ک چتی من ئیشتا دانیشتگم - فه رموو له جیگه ی خو تانا دانیشن / - فه رموو له جیگه ی خواه تانا دانیشن	فارسی - سلام ببخشید شماره صندلی من ۱۰ است - سلام از من، می بخشید مثل این که من عوضی نشسته ام - بفرمائید در جای خودتان بنشینید

- راستی تا تاران چهن سه‌عات پښگه‌یه؟ - راستی تا تاران چهن سه‌عات پښگه‌س؟	- راستی تا تهران چند ساعت راه است؟
- له ههر حال دا که متر له ۸ سه‌عات ناگا / - له ههر حاله تا که متر له ۸ سه‌عات ناگه‌ئ	- در هر حال کمتر از ۸ ساعت نمی‌رسد
- ماوه‌یه ک پۆلیسی پښگه‌ چاودیڤری نه‌ده کرد، ئیستا چۆنه؟ - موده‌تی پۆلیس را کوئترۆلی نه‌و، ئیسه‌ چۆنه؟	- مدتی پلیس راه کنترل نمی‌کرد، حالا چطور؟
- ئیستا دووباره‌ چاودیڤری ده‌کات، چوونکه له یه ک دانی	- حالا دوباره کنترل می‌کند، چون
- ماشینه‌کان زۆر بووه‌ته‌وه / ئیسه‌ کوئترۆل ئه‌کا چوونکه ته‌سادوف ماشین فره‌ بووگه‌سه‌و	تصادف اتومبیل‌ها زیاد شده
- به‌م وه‌زعی جاده‌گه‌له‌وه، خودا هه‌موومان پیاریڤزی / - به‌م وه‌زع جاده‌گه‌له‌، خواگشت لایه‌ک پیاریڤزی	- با این وضع جاده‌ها، خدا همه را حفظ کند

- جه ناب، ئوتومبیل زۆرتر له پاده
زیاد بووه /

- ئاغه، ماشینه کان فره تر له ئه نازه س

- سایه قه کانیش هۆشیان نی یه /
رانه نده کانیش ره عایه ت ناکه ن

- ریڤگه کانیشمان ئستاندارد نی یه

- به لّی ئه مانه عیله ت های
ته سادوفه کانن

- به لّی ئه مانه عیله ت گهل ته سادوفه کانن

- جه نابت له گهل خوارده مه نی
ناورپڤگه دا به ينت هه یه؟

- جه نابت له ته ک خورد و
خوه راک ناو ریڤگا به ينت هه س؟

- مه گهر زۆر ناچار بم /
مه گهر فره ناچار بم

- به داخه وه خوراکی کافه کان
ئه وه نده باش و جیی متمانه نی یه /
به ته ئه سوفه و، خوه راک کافه کان
ئه و نه خاس و جیڤگه ی ئتمینان نی یه

- آقا، ماشین ها بیش از حد زیاد
شده

- راننده ها نیز رعایت نمی کنند

- جاده هایمان نیز استاندارد نیست

- بله اینها عوامل تصادف ها
هستند

- جناب عالی با خورد و خوراک
بین راه میانه ای دارید؟

- مگر خیلی ناچار باشم

- متأسفانه خوراک کافه ها چندان
خوب و مطمئن نیست

- له هەر حالدا سه‌فه‌ره‌کانی ئەم پۆژگاره پر له مه‌ترسی به / - له هەر حالاً سه‌فه‌رگه‌ل ئیمپرو پر له خه‌ته‌ره	- در هر حال سفرهای امروز با خطرهای فراوان همراه است
- له وت و ویژ له گه‌ل جه‌نابتا خوشحال بووم - له سو‌حبه‌ت کردن له ته‌ک جه‌نابتا خوه‌شحال بووم.	- از گفتگوی با جنابعالی خوشحال شدم
- منیش هه‌روا	- من نیز همینطور
- سه‌فه‌ری خوش‌شان بیی / سه‌فه‌ری خوه‌شان بوئ	- سفری خوش داشته باشید
- هه‌روا جه‌نابتان	- همچنین جنابعالی

وت و ویژی دوو خویندکاری کورد و غه‌یری کورد ۷- گفتگوی دو دانشجوی کرد و غیرکرد

کردی	فارسی
- سه‌لام، روژ باش / - سه‌لام روژ به‌خیر	- سلام روز به خیر

- بېخشید جنابعالی گُرد هستید؟	- بیوره جه نابت کوردی؟ / بوه خشه جه نابت کوردی؟
- بله گُرد هستم، شما چطور؟	- به لئی کوردم، تۆ چی؟ / به لئی کوردم تۆ چه؟
- من فارس هستم	- من فارسم
- اهل سنندج هستی؟	- خه لکی سنه ی؟ / خه لک سنه ی؟
- بله، شما اهل کجائی؟	- به لئی، تۆ خه لکی کوئی؟ / به لئی تۆ خه لک کوئی؟
- تهران، در رشته حسابداری اینجا درس می خوانم	- تاران، له رشته ی حسابداری ئیره دا دهرس ته خوینم
- موفق باشی	- پیروزی بی / موه فقه بی
- سپاسگزارم	- سپاس / ته شه کور ته که م
- حتماً در خوابگاه هستی	- حه تمه ن وای له خوابگا / حه تمه ن های له خوابگا
- بلی، همینطور است	- به لئی ههروایه / به لئی ههرواسه

- راحتیی؟

- ره حه تی؟

- ای ... باید ساخت

- ئه ی ... ئه بی بسازین /

- ئه ی .. ئه شی بسازین

- چند واحد پاس کرده ای؟

- چه ند واحدت پاس کردوه؟ /

- چه ن واحدت پاس کردگه؟

- ۴۰ واحد

- ۴۰ واحد

- پس فعلاً هستی

- که وابوو ئیستا هه ی /

- پهس ئیسه هه ی

- آره چیزی پاس نکرده ام

- ئه ری چتیکم پاس نه کردوه /

- ئه ری چتیکم پاس نه کردگه

- با این شهر چطوری؟

- له گه لّ ئه م شاره دا چۆنی؟ /

- له ته کّ ئه م شارا چۆنی

- احساس غربت نمی کنم

- ههستی غه ربیی ناکه م /

- ئه حساس غه ربیی ناکه م

- خدا را شکر

- خودا شوکر / خوا شوکر

- دهر سه کانت سهخت نی یه؟	- درسهایت مشکل نیست؟
- حسابداریه و ئامار و ئهعداد	- حسابداری است و آمار و اعداد
- ئهچینه وه بو مالی خو تان؟ / - ئهچینه وه بو مال خوه تان؟	- به خانواده سر می زنی؟
- فهقه ده له بهینی ترمه کاندای / - فهقه ده له بهین ترمه کانا	- فقط در فاصله ترمها
- باشه / خاسه	- خوب است
- هاوسه رت که نی یه؟	- متأهل که نیستی؟
- ئه ی بابا، هیشتا زووه	- ئه ی بابا، هنوز زود است
- زۆر وه ختتم گرت، ببووره / - فره وه ختتم گرت بوه خشه	- خیلی وقت شما را گرفتم، ببخشید
- خواهیش ده که م، خوشحال بووم - خواهیشه که م خوه شحال بووم	- خواهش می کنم، خوشحال شدم
- دووباره یه ک ئه بینین / دواره یه ک ئه وینین	- باز هم یکدیگر را خواهیم دید

- باید به منزل ما بیایی	- ئەبێ بێت بو مائی ئیمه / ئەشی بیت بو مال ئیمه
- چشم ، خدا حافظ	- سه‌رچاو خواحافیز / - بان چاو خواحافر
- خدا همراهت	- خودات له گه‌ل / خوا هامرات

فارسی	له بازاردا / له بازارا
فهرست	کُردی
- بازار شهر کجاست؟	- بازاری شار له کوی دایه؟ / بازار شار ها له کوینا
- دور میدان، خیابان شرقی	- ده‌وری مه‌یدان شه‌قامی خو‌ره‌ه‌لات / - ده‌ور مه‌یان خیابان شه‌رقی
- چه بازار قشنگی!	- چه بازار بکی قه‌شه‌نگه! / چه بازار بکی قه‌شه‌نگه!
- آقا ببخشید قیمت این کلاه چقدر است؟	- آغا بی‌و‌ره‌ نرخ‌ی ئەم کل‌اوه‌ چه‌نده؟ - آغه‌ بو‌ه‌خشه‌ قی‌مه‌ت ئەم کل‌اوه‌ چه‌ت‌بکه؟

- گران نی یه؟	- گران نیست؟
- که مێ که متر حیساب که	- کمی تخفیف بده
- نه ئه وهنده ناده م، که متر / نه ئه و نه ناه م، که متر	- نه این قدر نمی دهم، کمتر
- گرانه	- گرانه
- ئینسافت بێ / ئینسافت بوئ	- انصاف داشته باشید
- ئه مه یادگاری شاری ئیوه یه / ئه مه یادگار شار ئیوه س	- این یادگار شهر شماست
- رهنگی کی پۆشن بده / رهنگی پۆشن به	- رنگی روشن بده
- رهنگی تاریک / رهنگ تاریک	- رنگ تیره
- ئه مه باشه / ئه مه خاسه	- این خوب است
- ژماره که ی چه نده؟ /	- شماره اش چند است؟ - شماره که ی چه نیکه؟
- بووچکتر بده / بووچکتر به	- کوچکتر بده

- بزرگتر	- گه‌وره‌تر
- تخته نرد خوب کجاست؟	- تخته نهردی باش له کویدا به؟ / - تخته نهرد خاس له کوینا هه‌س؟
- نان برنجی مرغوب کجاست؟	- نان برنجی باش له کویدا به / نان برنجی خاس له کوینا هه‌س؟
- گیوه کُردی خوب می‌خواهم بخرم	- کلاشی کُردی چاکم گه‌ره که بسی‌نم / - کلاش کُردی خاسم گه‌ره که بسی‌نم
- جناب، گیوه بسیار خوب داری؟	- جه‌ناب، کلاشی زۆر چاکت هه‌یه؟ / - جه‌ناب، کلاش فره خاست هه‌س؟
- گیوه نمره ۴۱	- کلاشی نمره چهل و یه ک / کلاش نمره چل و یه ک
- یکدست لباس کُردی می‌خواهم	- ده‌ستی جل و به‌رگی کُردیم گه‌ره که / - ده‌سی لیباس کُردیم گه‌ره که
- شلوار کُردی خوب داری؟	- پانتۆلی کُردی باشت هه‌یه؟ / ده‌مه‌وقۆپان کُردی خاست هه‌س؟
- دستت درد نکند	- ده‌ستت خوش بی / - ده‌ستت خواه‌ش بی

- ئەم پارچه میتری چەند؟	- این پارچه متری چند؟
- قەوارە یە ک چەند؟	- قوارەای چند؟
- چوار گەز بدە / چوار گەز بە	- چهار متر بدە
- بە لّام کە متر حساب کە / - وە لّی کە متر حەساو کە	- ولی کمتر حساب کن
- ئاخەر ئیمە میوانی ئیوہین / - ئاخەر ئیمە میوان ئیوہین	- آخر ما مهمان شما هستیم
- بان چاو، قابلی نی یە	- روی چشم، قابلی ندارد

لە هوتل دا / لە هوتلا	۹- در هتل
کُردی	فارسی
- سەلام / سلام	- سلام
- بیوورە اوتاقی خالی هە یە؟ / - بوەخشە اوتاق خالی هەس؟	- ببخشید، اتاق خالی دارید؟

- اتاق ۳ تخته

- اوتاقی سێ تهخته / اوتاق سێ تهخته

- اتاقی آرام با سرویس

- اوتاقیکی ئارام به سرویسه وه /
اوتای ئارام به سرویسه و

- فرمودید اتاق ۱۰۴ طبقه اول؟

- فهرمووتان اتاقی سه دو چوار
ته به قه ی هه وه؟ /
- فهرمووتان اوتاق سه و چوار
ته به قه ی ئه وه؟

- سپاسگزارم

- سوپاس ئه کهم / سپاسگوزارم

- همراهان من، همسر و فرزندم

- هاوری کانم، هاوسه و منداله کهم

- این هم شناسنامه ما

- ئه مه ی ش شناسنامه کانمان /
ئه مه ی ش شناسنامه کانمان

- یک هفته اینجا می مانیم

- یه ک هفته ئه مینینه وه /
یه ک هفته ئه می نینه و

- برای گردش آمده ایم

- بو سه یاحهت هاتوین /
- بو گهردهش هاتگین

- سالن غذاخوری کجاست؟

- هۆلی خۆراک خواردن له کۆی به؟
- سالۆن غهزا خوهری ها له کۆینا؟

- پارکینگ کجاست؟

- پارکینگ له کوێیه؟ /
- پارکینگ کامهسه؟

- رانندگی در شهر راحت است؟

- سایه‌قی له نیو شاردا ره‌حه‌ته؟ /
- رانه‌نده‌گی له ناو شارا ره‌حه‌ته؟

- با اتومبیل خودتان در شهر
رانندگی نکنید راحت‌ترید

- به ماشین خۆتان له نیو شاردا
سایه‌قی نه‌که‌ن ره‌حه‌ت‌ترن
- به ماشین خوه‌تان له ناو شارا
رانه‌نده‌گی نه‌که‌ن ره‌حه‌ت‌ترن

- به گردشگاه‌های شهر چطور؟

- بۆ سه‌یرانگه‌کانی شار چی؟ /
بۆ گه‌ردشگا‌گه‌ل شار چه؟

- اگر از کمربندی‌ها بروید اشکالی
ندارد

- ئە‌گه‌ له‌ که‌مه‌ربه‌ندییه‌کانه‌وه‌ پرۆن
عه‌یبی نی‌یه
- ئە‌گه‌ر له‌ که‌مه‌ربه‌ندییه‌کانه‌وه‌ پرۆن
عه‌یبی نی‌یه.

- به راهنما نیاز داریم

- به رینۆین پۆیستمان هه‌یه /
به رینۆی نیازمان هه‌س

- کسی را سراغ دارید ما را
راهنمایی کند.

- که‌سێ شک ئە‌به‌ی ئیمه‌ رینۆینی بکا؟ /
- که‌سێ شک ئە‌وه‌ی رینۆییمان بکا؟

- یه کئی له هاوکارانی هوټیل له گه‌لتانا ده‌نیڤم / - یه کئی له هاوکارگه‌ل هوټل له ته‌کتانا ته‌نیڤم	- یکی از گارسن‌های هتل را همراه شما می‌فرستم
- زۆر سوپاستان ده‌که‌م / - فره‌سپاستان ته‌که‌م	- بسیار سپاسگزارم
- که‌وابوو دوا‌ی نیوه‌پۆزه‌حمه‌ت ته‌ده‌ین - په‌س دوا‌ی نیمه‌پۆزه‌حمه‌ت ٿاین	- پس عصر زحمت خواهیم داد
- زۆر چاکه‌، ٿیستا پشوو بده‌ن / - فره‌خاسه‌ ٿیسه‌ ٿیسراحت بکه‌ن - به‌ٿیجازه	- بسیار خوب، فعلاً استراحت کنید - با اجازه

جه‌ژنه‌ پیروژه / جه‌ژن مواره‌کی

١٠- عید مبارکی

کُردی	فارسی
- سه‌لام / سلام	- سلام
- سالی نوی پیروزیایی ده‌که‌م / سال تازه‌ ته‌بریک ٿیڤم	- سال جدید را تبریک می‌گویم

- سال نو را تبریک عرض می‌کنم
- سالی نوێ پێڕۆزبایی عەرژ ده کهم
- سال تازه ته‌بریک عەرژ ته کهم

- من هم خدمت جنابعالی تبریک
عرض می‌کنم
- منیش به جه‌نابتان پێڕۆزبایی عەرژ
ده کهم

- منیش به جه‌نابتان ته‌بریک عەرژ ته کهم

- امیدوارم سالی خوش و توأم با
تندرستی پیش رو داشته باشید
- هیوادارم سالی کی خوش له‌گه‌ل
له‌ش ساغی‌تان له‌ پیش دا بیټ /
- ئومێده‌وارم سالی خواهش و پر له
سلامه‌تتان بیټ

- همان طور برای خانواده‌ محترم و
بستگانتان
- هه‌روه‌ها بۆ بڤه‌ماله‌ی به‌ریزو قه‌وم
و که‌ستان /

- هه‌روا بۆ خانه‌واده‌ی موخته‌ره‌م و
فامیلتان

- عید قربان را تبریک عرض
می‌نمایم
- جه‌ژنی قوربانتان پێڕۆزبایی عەرژ
ده کهم /

- جه‌ژن قوربانتان پێ ته‌بریک
عەرژ ته کهم

- جه‌ژنی ره‌مه‌زانتان ... /

جه‌ژن ره‌مه‌زانتان ...

- عید رمضان را ...

- له جه نایشتان پیروژ بی / له جه نایشتان موباره ک بی	- به جنابعالی نیز مبارک باد
- گهرده نمان ئازا که	- حلالمان کنید
- گهرده نت ئازا بی ، تویش گهرده ن من ئازا که	- حلال باشید. شما نیز ما را حلال کنید
- له رپی خوا ئازا بی / له ریگهی خوا ئازا بی	- در راه خدا حلال باشید
- جه ژنتان پیروژ / - جه ژنتان موباره ک	- عیدتان مبارک
- له ئیوه یش پیروژ / له ئیوه یش موباره ک - سه د سالّ وه ک ئهم سالانه / - سه د سالّ وه ک ئهم سال گه له	- بر شما نیز مبارک - صد سال به این سالها
- له کارتی پیروزیایی جه نابت سو پاس ئه که م / - له کارت ته بریک جه نابت سو پاس ئه که م	- از کارت تبریک جنابعالی سپاسگزارم
- تکایه، ئهرکی سهرشانم بوو / خواهیش ئه که م، وه زیفه و	- خواهش می کنم، وظیفه بود

سەرەخۆشی / سەرخواهشی	۱۱- تسلیت
کۆردی	فارسی
- جه‌نابی ... خانمی ... / - جه‌ناب ... خانم ...	- آقای خانم
- خه‌ساره‌تی پێش هاتووتان سەرەخۆشی پێ عەرز دە‌که‌م / - ئەم موسیبه‌ته به ئیوه سەرخواهشی عەرز ئە‌که‌م	- مصیبت وارده را تسلیت عرض می‌کنم
- زۆر مه‌منوونم ئیوه سه‌لامه‌ت بن - فره‌مه‌منوونم ئیوه سه‌لامه‌ت بن	- بسیار ممنونم، شما سلامت باشید
- له‌خه‌متاندا شه‌ریکم / - له‌خه‌متانا شه‌ریکم	- در غمتان شریکم
- خودا سه‌بووریتان پێ‌بدا / خوا سه‌بووریتان پێ‌با	- خداوند به شما صبوری بدهد
- خه‌م (خه‌می) ئاخرتان بێ	- غم آخرتان باشد
- خودا رو‌حیان به به‌هه‌شت شاد بفه‌رموێت	- خدا روحشان را به بهشت شاد فرماید

- له وهی دیر گه یستمه خزمه تان بیوورن، له سه فه ر بووم /	- از اینکه دیر خدمت رسیدم مرا ببخشید، در مسافرت بودم
- له وه که دیر گه یمه خزمه تان بم به خشن، له سه فه را وم	
- ته مه نی در یژی بو ئیوه به جی هیشتی /	- عمر طولانی برای شما به جا گذاشته باشد
- عومر در یژی بو ئیوه جی هیشتوی	

۱۲- تبریک مراسم عروسی پیروzbایی زه ماوهن / ته تبریک زه ماوهن

کُردی	فارسی
- سه لام، ئەم پێوهنده موباره که به جه نابتان، دۆستانه پیروzbایی عهرز ده که م /	- سلام، این وصلت مبارک را به جناب عالی صمیمانه تبریک عرض می نمایم
- سه لام، ئەم وه سه له ته موباره که به جه نابتان، دۆسانه ته تبریک عهرز ته که م	
- زۆر مه منوونم، زه حمه تان کیشا - فره مه منوونم، زه حمه تان کیشا	- بسیار ممنونم، زحمت کشیدید
- پا به پای یه ک پیر بن	- پا به پای هم پیر شوید

- بیت الله تشریف ببرید	- بهیت الله ته شریف ببهن / بهیت الله ته شریف بوهن
- به عاقبت خیری و سلامت	- به عاقیبهت خیری و سه لامهت / - به عاقبهت خیری و سلامت

۱۳- خرید روزانه	کپینی پوژانه / خهريد روژانه
فارسی	کۆردی
- آقا لطفاً یک کیلو سبزی خوردن	- ئاغا، لوتفهن یه ک کیلو سهوزی خواردن
- دو کیلو سبزی خورشتی	- دوو کیلو سهوزی خوورشتی
- لطفاً یک هندوانه و دو خربزه	- لوتفهن شووتنی یه ک و دوو کاله ک - لوتفهن هه نی یه ک و دوو کاله ک
- آقا پرتقال خوب داری؟	- ئاغا پرته قالی باشت هه یه؟ / - ئاغه پرته قال خاست ههس؟
- سه کیلو درشت و خوب لطف کنید	- سی کیلو دوروشت و باش لوتف که / - سی کیلو دوروشت و خاس لوتف که

- ببخشید سیب زمینی کیلویی
چند؟

- ببووره سیّوه عهرزله کیلوئ
چه ند؟

- مال کجاست؟

- هی کویّیه؟ / هین کویّنهس؟

- پیاز خوب هم داری؟

- پیازی باشیشت ههیه؟

- پیاز خاسیشت ههس؟

- از هر کدام ۵ کیلو بدهید

- له ههر کامیان پینج کیلوّ بده /

- له ههر کامیان پهنج کیلوّ به

- دستت درد نکند

- ده ستت خوّش بیّ

- ده ستت خوّهش بیّ

- بفرما، چقدر باید تقدیم کنم؟

- فهرموو، چهنده ئه بیّ تهقدیم کهم؟ /

- فهرموو، چهنئی ئه شئی تهقدیم کهم؟

١٤- آب و هوا در فصلها	ئاو و ههوا له وه‌رزه‌کاندا (له‌فه‌سله‌کانا)
فارسی	کۆردی
- هوای اینجا چقدر سرد است!	- هه‌وای ئێ‌ره‌ چه‌ندی سارده
- امسال زود برف بارید	- ئه‌مه‌سال زوو به‌فر باری
- حالا باید حرارت زیر صفر باشد	- ئه‌لعان ئه‌بێ‌ چه‌راره‌ت ژێ‌ری سفر بێ‌ / - ئه‌لعان ئه‌شێ‌ چه‌راره‌ت له‌ ژێ‌ر سفر بێ‌
- باید ژاکت و پالتو بپوشیم	- ئه‌بێ‌ جاکه‌ت و پالته‌ له‌ به‌ر که‌ین / - ئه‌شێ‌ جاکه‌ت و پالتاو بکه‌ینه‌ به‌رمان
- باید مواظب باشیم سرما نخوریم	- ئه‌بێ‌ هو‌شمان بێ‌ سه‌رما نه‌خوین - ئه‌شێ‌ هو‌شمان بێ‌ سه‌رما نه‌خوه‌ین
- هواشناسی گفت باز هم برف می‌بارد	- هه‌واناسی وتی هه‌م دیسان به‌فر ده‌باری - هه‌واناسی وتی بازه‌م به‌فر ئه‌واری
- باد شدید می‌وزد	- بای توندی دی‌ / بای تونی تی‌
- هوا بسیار سرد است	- هه‌وا زۆ‌ر سارده / هه‌وا فره‌ سارده
- مسافرت خطرناک است	- سه‌فه‌ر جێ‌گه‌ی مه‌ترسی به‌ / سه‌فه‌ر خه‌ته‌ر

- پۆلیسی رینگه جه ختی کردوه، بی وه سیلهی ئەمنی سه فهر نه کهن / - پۆلیس راه ته وسیه ی کردگه بی وه سیلهی ئیمه نی سه فهر نه کهن	- پلیس راه توصیه کرده بدون وسایل ایمنی سفر نکنید
- رویشتن بۆ کیویش خه تهره / روین بۆ کیفیش خه تهره	- رفتن به کوه نیز خطرناک است
- مومکینه ههره س بی	- ممکن است بهمن بیاید
- ههوا زۆر خو شه / ههوا فره خوه شه	- هوا بسیار خوب است
- ههوا ی به هاری به	- هوای بهاری است
- گه ردش له م ههوا دا له زه تی هه به - گه ردش له م ههوا له زه تی هه س	- گردش در این هوا لذت دارد
- باران نمه نمه ده باری / باران نم نم ته واری	- باران نم نم می بارد.
- چه ز ته که ی قه ده می لی به ین؟	- موافقید قدمی بزنیم؟
- حازرم	- موافقم

- هه‌ڵسه	- بلند شو
- چه‌تره که‌ت له بیر نه‌چی	- چترت را فراموش مکن
- پرۆین بۆ جاده‌ی ئابیده‌ر (ئاویه‌ر)	- برویم جاده‌ی آیدر
- هه‌وا چه‌نده گه‌رمه	- هوا چقدر گرم است
- هه‌وا چه‌نی گه‌رمه	
- ئیمسال له پاره که گه‌رمتره	- امسال از پارسال گرمتر است
- هاوینیکی گه‌رم مان هه‌یه / تاو سانیکی گه‌رم مان هه‌س	- تابستان گرمی داریم
- سال به سال گه‌رمتر ته‌بی / سال به سال گه‌رمتر ته‌وی	- سال به سال گرمتر می‌شود
- له‌کیو ده‌شتیشدا مرو‌ف تا‌قه‌ت نایه‌ری - له‌کیف و ده‌شتیشا ئینسان تا‌قه‌ت نایه‌ری (تا‌قه‌ت نا‌گری)	- درکوه و دشت نیز آدم طاقت نمی‌آورد
- گه‌لای داره‌کان که‌م که‌م زه‌رد بوو	- برگ درختان کم‌کم زرد شد
- پایزه	- پاییز است

- پاییز در اینجا بسیار زیبا است	- پاییز لیره دا زۆر قه شهنگه / - پاییز لیره فره قه شهنگه
- یکی دو هفته دیگر به رنگ درختان نگاه کن	- یه کئی دوو هفتهی تر بۆ رهنگی (رهنگ) داره کان ته ماشاکه
- گردش در این فصل لذت دارد	- گه ردش لهم وهرزه دا لهزه تی هه یه - گه ردش لهم فه سلا، لهزه تی هه س
- بیا آرام آرام در کنار این درختان قدم بزنیم	- وهره هیواش هیواش له کهناری ئه م دارانه وه قه ده م لئی بده یی / هه لسه ئارام ئارام له کهنار ئه م دارگه لا قاهم لئی به یی
- آماده ام	- حازرم

فارسی	له لای دوکتور دا (دوکتور)
۱۵- نزد پزشک	له لای دوکتور دا (دوکتور)
- آقای دکتر سلام	- ئاغهی دوکتور سه لام (سلام)
- سلام عزیزم، بلا دور است	- سه لام ئازیزم به لا دووره / سلام عهزیزم، به لا دووره

- متشکرم، آقای دکتر، پاهایم درد می‌کند

- سوپاست ده کهم جه‌نابی دوکتور،
لاقم ئیشی

- ته‌شه کور ته کهم ئاغهی دوکتور
پاگه‌لم ئیشی

- بفرما، دراز بکشید

- فهرموو پال‌که‌وه

- اینجای پایت درد می‌کند؟

- ئیره‌ی پات ئیشی؟

- بله، درد بالا و پایین می‌کند

- به‌لئی ئیشه که سه‌رو خوار ده کا /
- به‌لئی ئیشه که سه‌رو خوار ته کا

- به‌نظرم آرتروز داری

- به‌پروای من ئارتورۆزت هه‌یه؟
- به‌نه‌زهرم ئارتورۆزته

- باید عکسی از پایت بگیری

- ئه‌بی عه‌کسی له لاقت بگری
- ئه‌شی عه‌کسی له پات بگری

- حالا هم قرصی می‌نویسم دردت آرام بگیرد تا بعد از عکس

- ئیستاش هه‌بی کت بو ئه‌نووسم
ئیشه کهت ئارام بگری تا دواى
عه‌کسه که

- فشار خون و حرارت بدنت را هم می‌گیرم

- فشاری خوین و تینی له‌شت با بگرم
- فشار خوین و هه‌راره‌تیش با بگرم

- سوروشتی به و جیگه‌ی مه‌ترسی نی به
- ته‌بی عییه و جیگه‌ی ترسی نی به

- طبیعی است، جای نگرانی
نیست

- ئاغه‌ی دوکتور له ریگه‌ی رۆیندا ئیشم
- هه‌یه ئاغه‌ی دوکتور له ریگه‌ی روینا
ئیشم هه‌س

- آقای دکتر در راه رفتن درد دارم

- ناره‌حه‌ت مه‌به / ناره‌حه‌ت مه‌وه

- نگران نباش

- وه‌زنت چه‌نده؟
- وه‌زنت چه‌نیکه؟

- وزن‌ت چقدر است؟

- هه‌فتاو هه‌شت کیلو

- هه‌فتاو هه‌شت کیلو

- ئه‌بی چه‌ند کیلو وه‌زنت که‌م بکه‌یه‌وه
- ئه‌شی چه‌ن کیلو وه‌زنت که‌م بکه‌یه‌وه

- باید چند کیلو وزن کم کنی

- عه‌ کسه‌ که‌ له‌ کوئی بگرم؟

- عکس را کجا بگیرم؟

- شه‌قامی خوارتر رادیو‌لوژی ... /
- خیابان خوارتر رادیو‌لوژی ...

- خیابان پایین‌تر رادیو‌لوژی ...

- فه‌رمایشیکت نی به؟

- فرمایشی نداری؟

- نه خیر خودا حافیز

- نه خیر خوا حافز

- خیر، خدا حافظ

١٦- احوال پرسى عادى و دوستانه نهحوال پرسى ئاسایی و دوستانه

فارسی	کوردی
- سلام، چطوری؟	- سه لام، چۆنی؟ / سلام، چۆنی؟
- چه کار می کنی؟ به چه مشغولی؟	- چی ته که ی، به چی یه وه سه رقالی؟ - چه ته که ی؟ به چه مه شغوولی؟
- چه خبر؟ از ما نمی پرسى؟	- چ خه بهر؟ باوه ره ته که ی لیمان ناپرسی؟ - چ خه وه ره؟ لیمان ناپرسی؟
- عیب نداره، بهت خوش بگذره	- عه یی نی یه، خوشت بئ / قه ی ناکا، خوه شو بئ
- خانواده چطورن؟ همه خوبن؟	- مال و منداڵ چۆنن، هه موو باشن؟ - مال و منال چۆنن، گلابه ک خاسن؟
- بیا بریم منزل	- بئ با پروینه وه بو مال - بئ با بچینه وه بو مال

- مەمنون، کار دارم، باید بروم	- مەمنوون، ئیشم هەیه ئەبێ پرۆم
- مەمنون، کارم هەس، ئەشی پرۆم	- مەمنوون، کارم هەس، ئەشی پرۆم
- مەرسی، خدا حافظ	- سوپاس، خودا حافظ
	- سپاس، خوا حافظ

۱۷- احوال پرسی رسمی و مۆدبانه / ئەحوال پرسی ره‌سمی و به‌ئه‌ده‌به‌وه

فارسی	کُردی
- عرض ادب، حال سرکار چطور است؟	- به‌ریزه‌وه، حالی جه‌نابتان چۆنه؟ - عەرز ئە‌ده‌بەم هەس، حال جه‌نابتان چۆنه؟
- ببخشید به چه کاری سرگرم هستید؟	- بیوره، به چ ئیشیکه‌وه سەرتان قاله؟ / - ئە‌وه‌خشن به چ کارپکه‌و سەرتان گەرمه؟
- مدتی است از حال سرکار بی‌خبریم	- ماوه‌یه‌که له حالی جه‌نابتان خه‌به‌رمان نی‌یه - به‌یینیکه له حال جه‌نابتان بی‌خه‌وه‌رین

- امیدوارم حالتان خوب و بی ملال - هیوادارم حالتان باش و دوور له
باشد

- ئومیده‌ارم حالتان خاس و
بی مزه‌ره‌ت بن

- خانواده‌ محترم الحمد لله -
سلامت‌اند؟

- بنه‌ماله‌ی به‌پزتان شوکر بو خودا
سه‌لامه‌تن؟

- خانه‌واده‌ی موخته‌رم‌تان
ئه‌لحه‌مدو‌الله سلامه‌تن؟

- افتخار بدهید خدمت باشیم؟ -
سه‌ره‌ر زمان بفه‌رموو له

خزمه‌تتاندا بین
- ئیفتخارمان پی به‌له‌ خزمه‌تتان وین

- متشکرم، کار دارم، مرخص
می‌شوم

- سوپاستان ئه‌که‌م، ئیشم هه‌یه، له
خزمه‌تتان مه‌ره‌خه‌س ئه‌بم

- سپاس ئه‌که‌م، کارم هه‌س، له
خزمه‌تتان مه‌ره‌خه‌س ئه‌وم

- با اجازه -
- به‌ئیجازه / به‌ئیجازه

آن چه در این قسمت می آید، صد جمله غالباً پرسشی است که در زندگی روزمره مورد استفاده می باشد و می تواند به عنوان مجموعه ای ذخیره ذهنی برای خواننده مفید واقع شود. این جمله ها در موضوعهای گوناگون و برای موقعیت های مختلف تنظیم شده و از تنوعی گسترده برخوردار است.

۱۸- صد عبارت گوناگون و ضروری سه ده رسته ی جوراجو و پیویست

فارسی	کُردی
۱- صبح به خیر، حالت چطور است؟	۱- رۆژباش، حالت چۆنه؟ - رۆژ به خیر، حالت چۆنه؟
۲- کی از خواب بیدار شدی؟	۲- که ی له خه وه لساوی؟ - که ی له خه وه لساگی؟
۳- مثل این که امروز زیاد کار داری؟	۳- وه کوو چتی ئه مپرو زور ئیشت هه به؟ - وه ک چتی ئیمپرو فره کارته س؟
۴- احساس خستگی نمی کنی؟	۴- هه ستی شه که تی نا که ی؟ - ئی حساس خه سه گی نا که ی؟
۵- اینجا چه کار می کنی؟	۵- لیره دا چی ده که ی؟ - له گرا چه ئه که ی؟

۶- آمده‌ای کسی را ببینی؟

۶- هاتووی که‌سی ببینی؟
- هاتگی که‌سی بوینی؟

۷- موافقی با هم به سینما برویم؟

۷- هه‌زه‌ئه که‌ی پیکه‌وه پڕۆین بۆ سینه‌ما؟
- هه‌زه‌که‌ی به‌یه‌که‌و بچین بۆ سینما؟

۸- تصوّر می‌کنی امروز باران
ببارد؟

۸- بلیی ئه‌مپڕۆ باران بباری؟
- بیژی ئیمپڕۆ باران بواری؟

۹- زبان کردی یاد گرفته‌ای؟

۹- زمانی کوردی فیژ بووی؟
- زوان کوردی فیژ بووگی؟

۱۰- داری کُردی یاد می‌گیری؟

۱۰- خه‌ریکی کوردی فیژ ئه‌بی؟
- خه‌ریکی کوردی فیژ ئه‌وی؟

۱۱- این منظره چقدر قشنگ
است، این طور نیست؟

۱۱- ئه‌م دیمه‌نه‌ چه‌نده‌ جوانه‌، وانی‌یه؟
- ئه‌م مه‌نزه‌ره‌ چه‌نێ قه‌شه‌نگه‌، وانی‌یه؟

۱۲- مثل این که حالت چندان
خوش نیست؟

۱۲- وه‌کوو چتێ حالّت ئه‌وه‌نده
باش نه‌بی؟
- وه‌ک چتێ حالّت فره‌خاس نه‌وی؟

۱۳- صدايت خوب است؟

۱۳- ده‌نگت خۆشه‌؟
- ده‌نگت خوه‌شه‌؟

۱۴- از اینجا تا آنجا چقدر راه
است؟

۱۴- لیره وه تا ئه وی چهنده
رینگه یه؟
- لیره و تا ئینه چه نی رینگه س؟

۱۵- لطفاً آن چراغ را روشن
می کنید؟

۱۵- به زه حمه ت نه بی ئه و چرا
پۆشن ئه که ی؟
- بی زه حمه ت ئه و چرا پۆشن ئه که ی؟

۱۶- امسال تابستان به مسافرت
رفتید؟

۱۶- ئه مسال هاوین چووی بۆ سه فه ر؟
- ئیمسال تاوسان چویت بۆ سه فه ر؟

۱۷- کسالت شما برطرف شده است؟

۱۷- نه خووشی به که ت چاک بوئه ته وه؟
- نه خوه شیه که ت خاسه و بووگه؟

۱۸- بچه کدام شهری؟

۱۸- خه لکی کام شاری؟
- منال کام شاری؟

۱۹- از روشن کردن تلویزیون ناراحت
نمی شوی؟

۱۹- له پۆشن کردنی تله ویزیۆن
ناره حه ت نابیی؟
- له پۆشن کردن تله ویزیۆن
ناره حه ت ناوی؟

۲۰- پشتم درد می کند

۲۰- پشتم ئیشی

- | | |
|--|--|
| <p>۲۱- ئه‌بێ برۆم بو لای
دوکتۆریکی تر
- ئه‌شی بچم بو لای دوکتۆری تر</p> <p>۲۲- ئه‌بێ ژماره تهلهفونی خۆتم
پێ بدهی؟
- ئه‌وهی شماره‌ی تلیفون خوه‌تم
پێ به‌ی؟</p> <p>۲۳- راستی له لیخۆرپینی ماشین له
شه‌قامه‌کاندا قه‌لس نیت؟
- راستی له رانه‌نده‌گی له خیابانه‌کانا
ناره‌حه‌ت نیت؟</p> <p>۲۴- به‌رهمی گرینگى ئه‌م شاره‌ چیه‌؟
- مه‌حسوول عومده‌ی ئه‌م شاره‌ چه‌س؟</p> <p>۲۵- مه‌ردوم له ئیش و که‌سبى
خۆیان رازین؟
- مه‌ردم له کار و کاسبى خوه‌یان
رازین؟</p> <p>۲۶- راستی ئه‌و ده‌نگه‌ چى بوو؟ -
راستی ئه‌و ده‌نگه‌ چه‌و؟</p> | <p>۲۱- باید بروم پیش پزشکی دیگر</p> <p>۲۲- ممکن است شمارهٔ تلفن
خودت را به من بدهید؟</p> <p>۲۳- راستی از رانندگی در
خیابان‌ها ناراحت نیستی؟</p> <p>۲۴- محصول عمدهٔ این شهر
چیست؟</p> <p>۲۵- مردم از کار و کاسبی
خودشان راضی هستند؟</p> <p>۲۶- راستی آن صدا چه بود؟</p> |
|--|--|

- | | |
|---|---|
| <p>۲۷- له چه نوع وەرزشی خۆشت دی؟
- به چه نوع وەرزشی ههزه که ی؟</p> | <p>۲۷- به چه نوع وەرزشی علاقه داری؟</p> |
| <p>۲۸- خه لکی کوئی؟ کوینده ریت؟
- خه لک کوینه ی؟ کوینه بیت؟</p> | <p>۲۸- اهل کجائی؟ کجایی هستی؟</p> |
| <p>۲۹- له کوئی ژیان ته که ی؟
- له کوئی زنگی ته که ی؟</p> | <p>۲۹- کجا زندگی می کنی؟</p> |
| <p>۳۰- له ئاسایشگه دای یا مالت به کری گرتوو ه؟
- های له خوابگا یا مالت ئیجاره کردگه؟</p> | <p>۳۰- خوابگاه هستی یا خانه اجاره کرده ای؟</p> |
| <p>۳۱- زۆرتر هه ز به خویندنه وه ی چه کتیب هایه ک ده که ی؟
- فره تر هه زه که ی چه کتیوگه لی بخوینی؟</p> | <p>۳۱- بیشتر به خواندن چه کتابهایی علاقه داری؟</p> |
| <p>۳۲- شه هاده ی لیخوړینی ماشینت هه به؟
- گه واهینامه ی رانه نده گیت هه س؟</p> | <p>۳۲- گواهینامه رانندگی داری؟</p> |
| <p>۳۳- به رقلیان چی ده خوی؟
که ره و موره با، په نیرو چای شیرین، ماست و هیلکه و روڤ؟
- سبخانه چه ته خوه ی؟ که ره و موره با، په نیرو چای شیرین، ماس و</p> | <p>۳۳- صبحانه چه می خوری؟
کره و مربا، پنیر و چای شیرین، ماست و نیمرو؟</p> |

- | | |
|--|--|
| ۳۴- میل ندارم چیزی بخورم | ۳۴- ئیشتیام نی به چتی بخۆم
- مه یلم نی به چتی بخوهم |
| ۳۵- بسیار گرسنه‌ام، برویم چیزی بخوریم، موافقی؟ | ۳۵- زۆر برسیمه، برۆین چتی بخۆین، هاوړپیی ده که ی؟
- فره برسیمه، بچین چتی بخوهین، خاسه؟ |
| ۳۶- خوراک پزی خوب کجاست؟ | ۳۶- چیشته‌خانه‌ی باش له کویدا یه؟
- خه‌راک پزی خاس ها له کوینا؟ |
| ۳۷- برای این چند روز تعطیلی برنامه‌ات چیست؟ | ۳۷- بو ئهم چهند رۆژ پشوودانه به‌نامه‌ت چی یه؟
- بو ئهم چهن رۆژ نه‌عتیلی یه به‌نامه‌ت چه‌س؟ |
| ۳۸- جمعیت این شهر (یا این کشور) چقدر است؟ | ۳۸- ژماره‌ی نفوسی ئهم شاره (یا ئهم ولاته) چهنده؟
جه‌معیه‌ت ئهم شاره (یا ئهم ولاته) چه‌نیکه؟ |
| ۳۹- هوای امروز بسیار مطبوع است، این طور نیست؟ | ۳۹- هه‌وای ئه‌م‌رۆ زۆر خوشه. وانی یه؟
- هه‌وای ئیم‌رۆ فره خوه‌شه. وانی یه؟ |

۴۰- ببوره، پهرداخنی ئاوی

خواردن دینی؟

- بوه خشه، لیوانی ئاو خواردن

تیری؟

۴۱- موباره که چ جل و بهرگیکی

باشت له بهر کردوه

- مواره که چ لیبانی قه شهنگ هاله بهرنا

۴۲- سه برانگه کانی ئهم شاره له

کویدایه؟

- گهردشگا گهل ئهم شاره هاله کوینا؟

۴۳- شه قامی که مهربه بندی شار له

کویدایه؟

- جاده ی که مهربه نی شار هاله کوینا؟

۴۴- خه بهرهای تازه چی به؟

خه وه رگهل تازه چهس؟

۴۵- دینی روژی ههینی پیکه وه

پروین بوکیو؟

- تبت روژ جومعه به یه کهو بچین

بوکیف؟

۴۰- ببخشید، یک لیوان آب

خوردن می آورید؟

۴۱- مبارک است چه لباس خوبی

پوشیده اید.

۴۲- گردشگاه های این شهر کجاست؟

۴۳- جاده کمربندی شهر

کجاست؟

۴۴- اخبار تازه چیست؟

۴۵- می آیی روز جمعه با هم

به کوه برویم؟

۴۶- پێگهوه مه‌رج بیه‌ستین بزانی
کامیان سه‌رته‌که‌ون؟

- به‌یه‌که‌و شه‌رت بوه‌سین بزانی
کامیان ته‌یوه‌نه‌و؟

۴۷- مه‌یدانی فووتبالی ته‌م شاره‌له
کویدا به‌؟

- مه‌یان فووتبال ته‌م شاره‌ها له‌کوینا؟

۴۸- تۆبه‌ئیشی کشت و کاله‌وه‌سه‌رقالی؟
- تۆکار که‌شاوه‌رزی ته‌که‌ی؟

۴۹- ته‌م ولاته‌زۆرتر بۆ ئاژه‌لداری
به‌کار دی
- ته‌م ولاته‌فره‌تر بۆ چه‌یوان داری
موناسبه

۵۰- پله‌ی هه‌وای ته‌مڕۆ چه‌نده‌؟
- ده‌ره‌جه‌ی هه‌وای ئیمڕۆ چه‌تیکه‌؟

۵۱- چ سه‌عاتی چاوه‌پێی هانت بـم؟
- چ سه‌عاتی مائل (یا: ته‌ماهر)
هانت بـم؟

۴۶- با هم شرط ببندیم که
کدامیک برنده می شوند؟

۴۷- میدان فوتبال این شهر
کجاست؟

۴۸- شما به کار کشاورزی مشغول
هستی؟

۴۹- این مناطق بیشتر برای
دامداری (دامپروری) مناسب
است.

۵۰- حرارت هوای امروز چقدر
است؟

۵۱- چه ساعتی منتظر آمدنت باشم؟

۵۲- ئەو ئامانەتەت بۆ هاوردەم؟ -

ئەمانەتەت کەت بۆ هاوردەم؟

- ئەو ئامانەتەت بۆم هاورد؟ -

ئامانەتەت کەت بۆم هاورد؟

۵۳- خوش بە حالت، جینگە یەکی

باشت هە یە

- خوش بە حالت، جینگە یە ک خاستەس.

۵۴- زمانی تورکی دەزانی؟

- زوان تورکی ئەزانی؟

۵۵- دەچی بۆ کلاسی ئینگلیزی؟

- ئەچی بۆ کلاس ئینگلیسی؟

۵۶- لە بارە ی پۆست

مودیرنیسمەو دەزانی؟

- لە بارە ی پۆست مودیرنیسمەو چە

ئەزانی؟

۵۷- لە معماری کۆن خوشت دی

یا مودرن؟

- لە معماری قەیمی خوشوتی یا

جەدید؟

۵۲- آن امانت را برایم آوردی؟

۵۳- خوش به حالت، جای خوبی

داری.

۵۴- زبان ترکی بلدی؟

۵۵- به کلاس انگلیسی می روی؟

۵۶- درباره پست مدرنیسم چه

می دانی؟

۵۷- معماری سنتی را دوست

داری یا مدرن را؟

۵۸- له گه‌ل خویندنه‌وه‌ی رۆژنامه
وگۆفارد چۆنی؟

- له ته‌ك خوه‌ندنه‌وه‌ی رۆژنامه و
موچه‌لا چۆنی؟

۵۹- ئه‌بێ پینووسه‌ که‌تم پێ بده‌ی؟
- ئه‌وێ خودکاره‌ که‌تم پێ به‌ی؟

۶۰- سینهمای X فیلمیکی باشی
هاوردوه، پرۆبی بینه
- سینمای X فیلمی خاصی
هاوردگه‌، بچۆبی وینه

۶۱- چۆن پێ که‌وتی؟ به‌چی پێ
که‌وتی؟
- چۆن که‌فتیه‌ رینگه‌؟ به‌چه‌ پێ که‌فتی؟

۶۲- ئیزنم ئه‌ده‌ی درگا که‌ بیه‌ستم؟
- ئیجازه‌ هه‌س درگا که‌ به‌ه‌سم؟

۶۳- سه‌پینی سه‌عاتی چوار ده‌چم
بو‌کووری ئه‌ده‌بی مه‌وله‌وی
- سه‌با سه‌عات چوار ئه‌چم بو‌
ئهنجومهن ئه‌ده‌بی مه‌وله‌وی

۵۸- با مطالعه‌ رۆژنامه و مجله
چطوری؟

۵۹- ممکن است خودکارت را به
من بدهی؟

۶۰- سینمای X فیلم خوبی
آورده برو آن را ببین

۶۱- چطور حرکت کردی؟ با چه؟
وسیله‌ای؟

۶۲- اجازه هست در را ببندم؟

۶۳- فردا ساعت ۴ به انجمن
ادبی مولوی خواهم رفت

- | | |
|--|--|
| <p>۶۴- ئەو شاعیریکی توانایه،
وانی یه؟
- ئەو شاعری ته واناس، وانی یه؟</p> <p>۶۵- هه موو پیکه وه به کو مه ل
ری که وین
- گشتمان به یه که وه سه جه معی
بکه فینه ریگه</p> <p>۶۶- تاکه ی دوکان و بازار نابە سەری؟
- تاکه ی دوکان و بازار ناوه سگی؟</p> <p>۶۷- سه باره ت به وتاره که ی X
نه زه ری تو چیه؟
- له باره سوخه پرائیه که ی X ه و
نه زه رت چه س؟</p> <p>۶۸- دیت پیکه وه برۆین بو
پیشانگه ی کتیب؟
- نیت به یه که و بچین بو نمایشگای کتیو؟</p> <p>۶۹- ئیستایش له هه مان شوین سهر
قالی ئیشی؟
(... له هه مان شوین ئیش ده که ی؟)
- ئسه شه له و حنکا کار، نه که ی؟</p> | <p>۶۴- او شاعری توانا است..
این طور نیست؟</p> <p>۶۵- همه با هم و دسته جمعی
حرکت کنیم.</p> <p>۶۶- تاکی دکان و بازار باز است؟</p> <p>۶۷- درباره سخترانی X نظرت
چیست؟</p> <p>۶۸- می آیی با هم به نمایشگاه
کتاب برویم؟</p> <p>۶۹- حالا هم در همان جا مشغول
کار هستی؟</p> |
|--|--|

۷۰- ساعات کارت را در هفته
کم نکرده‌ای؟

۷۰- سه‌عاتی ئیشت له حه‌فته‌دا کهم
نه کردوه‌ته‌وه؟
- سه‌عات کارت له حه‌فتاکه‌م
نه کردگه‌سه‌و؟

۷۱- به نظر شما این اتومبیل
را بنخرم؟

۷۱- به نه‌زه‌ری توۆ ئه‌م سه‌یاره
بسینم؟
- به نه‌زه‌ر توۆ ئه‌م ماشینه‌ی بسینم؟

۷۲- چرا مردم باید از دادن
مالیات ناراحت باشند؟

۷۲- بوچی مرووف ئه‌بی له دانی
باجی دارایی (مالیات) قه‌لس بن؟
- بوچه‌مه‌ردم ئه‌شی له داین مالیات
ناره‌جه‌ت بن؟

۷۳- درباره‌ی این خانه نظرت
چیست؟ می‌خواهم آن را
معامله‌کنم

۷۳- سه‌باره‌ت به‌م ماله‌ره‌ئی توۆ
چییه؟ گه‌ره‌که‌مه‌مو‌عامه‌له‌ی بکه‌م.
- له باره‌ی ئه‌م ماله‌و نه‌زه‌ر توۆ چه‌س؟
گه‌ره‌که‌مه‌مامه‌له‌ی بکه‌م

۷۴- راست است می‌گویند:
سیاست پدر و مادر ندارد؟

۷۴- راسته‌ئه‌لین: سیاست باوک و
دایکی نی‌یه؟
- راسه‌ئین: سیاست باوک و
دایکی نی‌یه؟

- | | |
|--|--|
| <p>۷۵- بۆچی له گهڵ X دا به پنت نی یه؟
- بۆچه له ته ك X. ا به پنت نی یه؟</p> <p>۷۶- ئاوو هه وای ئیرهت پێ خوشه؟
- له ئاوو هه وای له گره خوهشت تێ؟</p> <p>۷۷- له رۆژدا نه وهنده ماوهت هه به
پشوو به ك بدهی؟
- له رۆژا ئه و نه وه خنت هه س
ئیسراحه تێ بکهی؟</p> <p>۷۸- تا ئیستا بۆ سه فه ری دوور له
ولآت رۆیشتووی؟
- تا ئیسه چووگی بۆ سه فه ر دوور له
ولآت؟</p> <p>۷۹- بێ زه حمهت، ئه و کتیبه
ئهدهی به من؟
- بێ زه حمهت، ئه و کتیوه ئایته من؟</p> <p>۸۰- ته مه نی تۆ چه نده؟
- عومرت چه نیکه؟</p> <p>۸۱- ژنت خواستوه؟ شووت کردوه؟
- ژنت خواستگه؟ شووت کردگه؟</p> | <p>۷۵- چرا با X میانه نداری؟</p> <p>۷۶- از آب و هوای اینجا خوشت
می آید؟</p> <p>۷۷- در طول روز وقت کافی برای
استراحت داری؟</p> <p>۷۸- تا حالا به مسافرت خارج از
کشور رفته ای؟</p> <p>۷۹- لطفاً، آن کتاب را به
من می دهید؟</p> <p>۸۰- سن شما چقدر است؟</p> <p>۸۱- ازدواج کرده ای؟
(زن گرفته ای؟ شوهر کرده ای؟)</p> |
|--|--|

- | | |
|---|---|
| ۸۲- خودت در اصل اهل کجائی؟ | ۸۲- خۆت له ئەسلدا، خەڵکی کوێی؟
- خوەت له ئەسلا، خەڵک کوێنە ی؟ |
| ۸۳- چند برادر و خواهر داری؟ | ۸۳- چەند براو خوشکت هەبە؟
- چەن براو خوەیشکت هەس؟ |
| ۸۴- برادرهایت از تو بزرگترند؟ | ۸۴- براکانت له تۆ گەورە ترن؟
- براکانت له تۆ گەورە ترن؟ |
| ۸۵- خواهرات چی؟ شما فرزند چندم هستی؟ | ۸۵- خوشکە کانت چی؟ تۆ مندالی
چەندە می؟
- خوەیشکە کانت چە؟ تۆ چەنم
منالی؟ |
| ۸۶- دانشگاه شما چند دانشجو دارد؟ | ۸۶- زانستگە ی ئیوہ چەند
خویندکاری هەبە؟
- دانشگاه ی ئیوہ چەن دانشجوی
هەس؟ |
| ۸۷- چرا علاقه به درس خواندن امروز کمتر شده است؟ | ۸۷- بۆچی مەیلی دەرس خویندن
ئەمڕۆ کەم بوەتەوہ؟
- بۆچە مەیل دەرس خوەندن ئیمپرو
کەم بووگەسەو؟ |

- | | |
|---|--|
| <p>۸۸- سەرقالی لاوان غهیری ده‌رس
خویندن، چیه؟</p> <p>- سەرگه‌رمی جوانه‌کان غه‌پره‌ز
ده‌رس خوه‌ندن چه‌س؟</p> | <p>۸۸- سرگرمی جوانان غیر از درس
خواندن چیست؟</p> |
| <p>۸۹- له‌م شاره‌دا پیشه‌سازی هه‌یه؟
- له‌م شارا سه‌نعت هه‌س؟</p> | <p>۸۹- در این شهر کارخانه صنعتی
وجود دارد؟</p> |
| <p>۹۰- گوزه‌رانی گشتی مه‌ردوم چۆنه؟
- گوزه‌ران مه‌ردم چۆنه؟</p> | <p>۹۰- زندگی عمومی مردم چطور
است؟</p> |
| <p>۹۱- ئه‌پێ له‌م باره‌وه نه‌زه‌ری
به‌پێرتان به‌فرموون؟
- ئه‌وێ له‌م باره‌وه نه‌زه‌ر خوه‌تان
به‌فرموون؟</p> | <p>۹۱- ممکن است در این باره نظر
خودتان را بفرمائید؟
(کلام مؤدبانه)</p> |
| <p>۹۲- جه‌نابتان داواکاری چتی بوون؟
- جه‌نابتان چتی‌کتان گه‌ره‌ک بوو؟</p> | <p>۹۲- جنابعالی چیزی درخواست
فرمودید؟ (کلام مؤدبانه)</p> |
| <p>۹۳- ئه‌پێ ده‌ستوورتان به‌فرموون
تا به‌جیی بیئم؟
- ئه‌وێ ئه‌مرتان به‌فرموون تا به
جیگه‌ی بیئم؟</p> | <p>۹۳- می‌شود امرتان را بفرمائید تا
اجرا کنم؟ (کلام مؤدبانه)</p> |

۹۴- ئیمه له خدمه تانان، هه رچی
ئه مر بفه رموون
- ئیمه هاین له خزمه تانان، هه رچی
ئه مر بفه رموون

۹۵- ماوه به که تاقه تی ئیش کردنت
نی به، دروسه؟
- موده تی که تاقه ت کار کردنت
نی به، دروسه؟

۹۶- باشر نی به به ینی ده ست له
خویندنه وه هه لگری؟
- خاستر نی به، به ینی ده س له
خویندنه وه بکیشی؟

۹۷- باوهرت هه به که ئه لّین: دلّ به
دلّ ریگه ی هه به؟
- باوهرت هه س که ئیژن: دلّ به دلّ
ریگه ی هه س؟

۹۸- له قسه ی حیسابی خوشت دی؟
- له قسه ی چه ساوی خوه شت تی؟

۹۴- ما در خدمت هستیم، هرچه
امر بفرمائید. (کلام مؤدبانه)

۹۵- مدّتی است حوصله کار
کردن ندارید، درست است؟

۹۶- بهتر نیست مدّتی مطالعه را
کنار بگذارید؟

۹۷- باور داری که می گویند: دل
به دل راه دارد؟

۹۸- از حرف حساب خوشت می آید؟

۹۹- ده‌زانی ورده‌ورده خه‌ریکم کوردی فیر ته‌بم؟	۹۹- می‌دانی کم‌کم دارم کُردی یاد می‌گیرم؟
---	--

- ته‌زانی ورده‌ورده خه‌ریکم
کوردی فیره‌وم؟

۱۰۰- مه‌گه‌ر نه‌ت بیستووه که وتوویانه : خوازتن، توانینه؟	۱۰۰- مگر نشنیده‌ای که گفته‌اند: خواستن، توانستن است؟
---	---

- مه‌گه‌ر نه‌ت بیستگه که وتگیانه:
خوازتن، توانینه؟

بخش ۳

بهشی ۳

- لغات در موضوع های گوناگون کاربردی
- وشه کان، بۆ بابته کانی جوراجوری به کارهینان

۱- اعداد - ژماره کان

۱-۱ اعداد اصلی - ژماره سهرکی یه کان

فارسی	گُردی	فارسی	گُردی
- صفر	- سفر	- دوازده	- دوانزه
- یک	- یه ک	- سیزده	- سیژده / سیانزه
- دو	- دوو	- چهارده	- چواردده
- سه	- سی	- پانزده	- پانزه
- چهار	- چوار	- شانزده	- شانزه
- پنج	- پینج / پهنج	- هفده	- هه فده
- شش	- شه ش	- هجده	- هه ژده
- هفت	- هه وت / هه فت	- نوزده	- نوژده
- هشت	- هه شت	- بیست	- بیست / بیس
- نه	- نو	- سی	- سی
- ده	- ده	- چهل	- چل
- یازده	- یازده / یانزه	- پنجاه	- په نجا

۱-۲- اعداد ترتیبی ژماره روئیی به کان

فارسی	کُردی	فارسی	کُردی
- شصت	- شه ست / شهس	- یکم	یه کهم
- هفتاد	- چه فتا	- دوم	دووههه / دووهم
- هشتاد	- هه شتا	- سوم	سه ییهه / سه یههه
- نود	- نه وهه	- چهارم	چه یههه
- صد	- سهه	- پنجم	په یههه / په نهجهه
- دویست	- دوو سهه	- ششم	شه شهه
- سیصد	- سه ی سهه	- هفتم	چه وتهم / چه فتم
- چهارصد	- چه وار سهه	- هشتم	هه شهته
- پانصد	- پانه سهه	- نهم	نوههه
- ششصد	- شهش سهه	- دهم	دهههه
- هفتصد	- چه فسهه	- بیستم	یههتهه / یهههم
- هشتصد	- هه شهسهه	- سییم	سه یههه
- نه صد	- نه وههه	- چهلم	چه لهه
- هزار	- هه زار	- په نهجاههه	په نهجاههه
- دو هزار	- دوو هه زار	- شه ستهه	شه ستهه
- سه هزار	- سه ی هه زار	- هفتادهه	چه فتادهه
- چهار هزار	- چه وار هه زار	- هشتادهه	هه شهتادهه
- پنج هزار	- په یهه هه زار /	- نودم	نه وهه دهه
- یک میلیون	- یه ک ملیوَن	- صدم	سه دههه
		...	

فارسی	گۆردی	۲-اعضای بدن	به شه کانی لهش
- یکمین	یه که مین		
- دومین	دوو هه مین /		
	دوو هه مین	بدن	لهش
- سومین	سییه مین /	سر	سه ر
	سیهه مین	مو	موو، تووک
- چهارمین	چواره مین	پیشانی	توئل
- پنجمین	پسینجه مین /	ابرو	برۆ
	په نجو مین	مژه	برژانگ
- ششمین	شه شه مین	چشم	چاو
- هفتمین	حه وته مین	پلک	پیلوو،
	حه فتو مین		به لگ چاو
- هشتمین	هه شته مین	مردمک	گلینه
- نهمین	نو هه مین	مغز	می شک / موخ
- دهمین	ده هه مین	گونه	کو لمه، کو لم،
و...			گو نا
		بینی	که پۆ، لووت
		سوراخ بینی	کونای لووت
		گوش	گوئی، گو یچکه
		صورت	رو و مه ت،
			رو خسار،
			ده م و چاو
		چانه	چنا که، چه نه
		دهان	زار، ده م

فارسی	کردی	فارسی	کردی
لب	لیو، لچ	رگ	دهمار، ره گ
دندان	ددان، دیان	ناخن	نینۆك، ناخون
زبان	زمان، زوان	زانو	ئهژنۆ
گلو	گهروو، گهلوو،	مفصل، بند	خرتك
	قورگ	بند انگشت	گریچك
سقف دهان	ئاسمانه‌ی ده‌م،	قوزك پا	گسویژنگ،
	مه‌لاژك		گسویژك،
فك، آرواره	شه‌ویلکه،	قاپووله‌ی پا	
	شه‌ویلاک	ساق پا	به‌له‌ك، له‌ته‌ر،
لڤه	پدوو، پووک		پووز
سینه	سینگ، سینه	ساق دست	پیل
شکم	ورگ، زك، سک	سبیل	سمیل
دست	ده‌ست، ده‌س	ریش	ردین، ردین،
پا	پئی، پا		ریش
پنجه	په‌نجه	مچ دست	جشمشیرگ،
انگشت	قامک، نه‌نگوس		جسمگ،
آرنج	ئانیشک		مووچ ده‌س
شانه	شان	مچ پا	گسویژینگ،
گردن	گه‌رده‌ن،		مووچ پا
	گه‌ردن، مل	پشت	پشت
بازو	باسک، قوّل	پهلو	ته‌نشت، که‌له‌که
استخوان	ئیسقان، پیشه	جگر	جه‌رگ
عصب	ده‌مار	معدة	می‌عده، مه‌عده

فارسی	کوردی	فارسی	کوردی
روده	ریـخۆله ،	سفیدی چشم	چەرمبێهێ چاو
	ریخوهله	سیاهی چشم	رەشبینەێ چاو
شش	سپیه لاک، سی	اشک	فرمیسک
کلیه	گورچیلە،	قامت	بەژن، بالا
	گورچک	پاشنه	پاژنه
قلب	دل	پستان	مەمک،
مثانه	میزلداں		مەمکە
خون	خوین	جان، روان	گیان
دنده	پەراسوو	گام، قدم	هەنگاو
ستون فقرات	بربرە، کارتیهی	نرمه گوش	بەلک،
	پشت		بەلکی گوی
	مۆغەرە ی پشت،		
	مۆغەرە،		
	مروغە ی پشت		
ماهیچه	ماسیلکە،		
	مایچه		
پوست	پینست، پۆس،		
	پینس		
گوشت	گوشت		
چربی	چەوری		
پیه	بەز		
شکمبه	گەدگ، گەدە		
ناف	ناوک		

۳-روز-ماه-فصل روژ، مانگ، وەرژ نام عوامل طبیعی ناوه زسورشتی به کان			
فارسی	کُردی	فارسی	کُردی
۱- بهار	به‌هار	شنبه	شه‌مممه
۲- تابستان	هاوین / تاوسان	یکشنبه	یه‌ک شه‌مممه
۳- پاییز	پایز	دوشنبه	دوو شه‌مممه
۴- زمستان	زمستان	سه‌شنبه	سێ شه‌مممه
بامداد	ده‌مه‌وه‌به‌یان،	چهارشنبه	چوار شه‌مممه
چاشت	به‌یانی، به‌ربه‌یان	پنجشنبه	پینج (په‌نج)
ظهر	چاشت	جمعه	شه‌مممه
غروب	نیوه‌پرۆ، نیمه‌پرۆ	۱- فروردین	هه‌ینی، جومه‌مه
شب	ئیواره	۲- اردیبهشت	خاکه‌لێوه
نیمه‌شب	شه‌و	۳- خرداد	بانه‌مه‌ر
روز	نیوه‌شه‌و / نیمه‌شه‌و	۴- تیر	جۆزه‌ردان
امشب	روژ	۵- مرداد	پووش‌په‌ر
امروز	ئه‌مه‌شو / ئیمشه‌و	۶- شهریور	گه‌لاوێژ
حالا	ئه‌مه‌رو / ئیمه‌رو	۷- مهر	خه‌رمانان
فردا	ئێستا / ئیسه	۸- آبان	ره‌زه‌به‌ر
پس فردا	سه‌به‌ینی / سۆزی	۹- آذر	خه‌زه‌لوهر
پسین فردا	دووسه‌ی / دووسۆ	۱۰- دی	سه‌رماوه‌ز
دیروز	سێ سه‌به‌ی / سێ سۆ	۱۱- بهمن	به‌فرانبار
پریروز	دوینی / دوینکه	۱۲- اسفند	ریبه‌ندان
سه‌روز پیش	پیری / پیره‌که		ره‌شه‌مه
	په‌سه‌رپیری /		
	په‌سه‌رپیره‌که		

فارسی	کوردی	آفتاب	خۆر / خوهر
گذشته	رابوردوو / رابردگ	ماه	مانگ
آینده	داهاتوو / داهاتگ	ستاره	هه ساره
حال، اکنون	ئێستا / ئێسه	کهکشانی	کاکێشان
تعطیل	پشووودان / تهعتیل	ابر	هه ور
اوّل، آغاز	هه وهّل، ته وهّل	آسمان صاف	سایه قه
آخر، انجام	ئاخر، دوایی	رعد و برق	هه وره تریشقه،
وسط، میان	ناوهندن، بهین	زلزله	هه وره بروسکه
شمال	باکوور	برف	بوه له رزه
جنوب	باشوور	باران	به فر
مشرق	پوژهه لات / خۆر هه لات	برف و باران	باران
مغرب	پوژئاوا / خۆر ئاوا	سیل	دوودانگ
شمال شرقی	باکووری	سرد	لافاو
شمال غربی	پوژهه لات / باکووری	سرد	سارد
جنوب شرقی	پوژئاوا / باشووری	گرم	گه رم
جنوب غربی	پوژئاوا / باشووری	آب	ئاو
	پوژهه لات	آب نیم گرم،	ئاوی شیتین
	پوژئاوا	یخ	سه هوّل، یه خ
	پوژئاوا	تگرگ	ته رزه
	پوژئاوا	داغ	داخ
	پوژئاوا	شراره	بلیسه
	پوژئاوا	شعله	گر
	پوژئاوا	بخار	هه لم، بوق، هالاو
	پوژئاوا	مه	مژ

فارسی	گُردی	فارسی	گُردی
پرتو نور،	تیشک	خاله	پوور، میمک،
مهتاب	مانگه شهو		می می
شبِ نیم	شه و نم، ئاونگ	عمو	مام، مامه
چکّه	دلۆپه، تکه	برادر بزرگ	کاک، کاکه
چشمه	کانی	خواهر بزرگ	باجی، ئابجی،
رودخانه	چهم		داده
موج	شه پۆل	همسر (زن یا مرد)	هاوسەر
		همسر زن	خیزان
		دختر	کچ، که نیشک
		پسر	کور
		دائی	خالۆ
		زن دائی	خالۆژن
		زن (به طور عام)	ژن، ئافرهت
		عمو زاده	ئامۆزا
		(دختر یا پسر)	
		خاله زاده	پوورزا، میمکهزا
		عمّه زاده	پوورزا، میمکهزا
		دائی زاده	خالۆزا
		فرزند عموزاده	ئامۆزازا
		فرزند عمّه زاده و	پوورزازا،
		خاله زاده	میمکهزازا
		فرزند دائی زاده	خالۆزازا
		خواهرزاده	خوشکهزا، خوه یشکهزا
			میمک، می می

۴- لقب اقوام و فامیل - له قببی قهوم و کەس

فارسی	گُردی
پدر	باوک
مادر	دایک
خواهر	خوشک،
	خویشک،
	خوه یشک
برادر	برا
پدر بزرگ	باپیر،
	باوه گه و ره، باوا
مادر بزرگ	نه نک، دایه گه و ره
عمّه	پوور،
	میمک، می می

فارسی	کُردی	فارسی	کُردی
برادرزاده	برازا	زن برادر	براژن
داماد	زاوا	نوه	نهوه، کوره‌زا،
عروس	بووک، وه‌وی	کچه‌زا،	کچه‌زا،
برادر شوهر	هیۆهر	که‌نیشکه‌زا	که‌نیشکه‌زا
زن برادر شوهر	هیۆهرژن	باجناغ	ئاواڵزاوا،
پدر زن	خه‌زوور، خه‌زووره	هاوزاوا	هاوزاوا
مادر زن	خه‌سوو	بیوه‌زن	بیۆهرژن
پدر شوهر	خه‌زووره	نامادری	زپ‌دایک ،
مادر شوهر	خه‌سوو	باوه‌ژن	باوه‌ژن
خواهر شوهر	دش، دوش	ناپدري	زپ‌باب ، باوه‌پیاره
قوم و خویش	خزم، قه‌وم و	نادختری	زپ‌کچ، زپ‌که‌نیشک
	که‌س	ناپسری	زپ‌کوپ
دودمان	ره‌گه‌ز، هۆز	دوقلو	چیمک، دووانه،
فرزند، اولاد	مندال، منال	لفه‌دووانه	لفه‌دووانه
شوهر	میرد، شوو	نازا	نه‌زووک
زن	ژن	ینگه، ساق‌دوش	به‌ربووک /
مرد	پیاو، پیاگ	پاخه‌سوو	پاخه‌سوو
ه‌وو	هه‌وی، هه‌وه	فرزند خواهر شوهر	دوشه‌زا
فرزند ه‌وو	هه‌نه‌زا	فرزند برادر	هیۆهرزا،
خواهر همسر	ژن خوشک،	شوهر	هیۆهره‌زا
	ژن خوه‌یشک	مهمسر عموزاده	ئاموزاژن
برادر داماد	برازاوا	طایفه، نژاد	خیل، هۆز، ره‌گه‌ز
(در عروسی)		مەلت	میلله‌ت، گه‌ل

فارسی	کردی	هـ-لباس و پوشاک	جل و بهرک
دوست	دۆست، دۆس	فارسی	کردی
هم سن و سال	هـاوتهمهـن، هاوعومر	کت	کۆت
مذکر	نێر	شلوار	شهـلوار، شهـوال
مؤنث	مێ	قبا (بلند یا کوتاه)	کهـوا، کوا
خُنشی	نـیرومی، نیروما	قبا ی نیم تنه	سهـلته
		پیراهن	کراس
		زیرپیراهنی	ژیرکراسی
		تُنبان	پـاتۆل،
			دهـمهـوقۆپان
		بند تنبان	بهـنهـخوین،
			هوۆجهـنه
		کلاه	کلاو
		کلاه لگنی (فرنگی)	شهـپکه،
			کلاوفهـرهـنگی
		عبا	عابا
		پالتو	پالته، پالتاو
		جلیقه	سوخمه، جلیسقه
		کفش	پیناو، کهوش
		جوراب	گۆرهـوی،
			گۆروا
		جوراب پشمی	گۆرهـویی بهـن،
			گۆروای بهـن
		ساق پابند	پووزهـوانه

فارسی	کردی	فارسی	کردی
پاتابه	پاتاوه، کالآ	یقە	یەخە
جلیقە پشمی روپوش	پەسە ک	دستمال	دەسەسەر ،
سرکلاه پشمی	سەرکلاو		دەسمال
بارانی نمدی چوپانی	کە پەنک	خلخال	خرخال، پاوانە،
بالاپوش نمدی			بازنە
پوستین پوشیدنی	کەلپۆز،	دستبند، النگو	بازنە، دەس
	کەلپۆس		وینک
لباس جافی	کەواو سەلتە	انگشتی	ئەنگووسیلە
نیم تەنە مردانە	مراخانی،	گوشواره	گوارە،
	مرادخانی		گۆشەوارە
کمر بند پارچەای	پشتین،	طلا و نقره زینتی	خشل و خاو
	پشتوین	گردن بند	بەرموور،
عمامه	میزەر، میزەرە		مل وینک
ریشه های عمامه	ریشک	گل بینی	لووتەوانە
چکمه	پۆتین		
پوتین	پۆتین		
آستین آویزان	سۆرانی،		
	فەقیانە		
آستین عادی	قۆل، سەردەس		
پاچه شلوار	دەم پا		
دستکش	دەست کیش،		
	دەس کیش		
جیب	گیرفان		

٦-رنگها		رنگه‌کان	فارسی	کُردی
سفید	سپی، چه‌رمگ	سرخ و سفید	شی	
سیاه	ره‌ش	قهوه‌ای	قاوه‌یی	
سبز	سه‌وز	کم‌رنگ	کال	
سرخ	سوور	رنگ سیر، پُرنِگ	توُخ، تاریک	
آبی	شین، ئاوی		ره‌نگ	
زرد	زه‌رد			
بنفش	به‌نه‌وش			
خاکستری	بوُور			
دودی	دوو‌که‌لی			
چهره‌ای	چِیره‌یی			
فیروزه‌ای	پیروزه‌یی			
کبود	که‌وگ			
حنایی	خه‌نه‌یی			
سیاه و سفید	ره‌ش و سپی،			
ابلق، دورنگ سیاه	ره‌ش و			
و سفید قاطی	چه‌رمگ			
طلائی	به‌له‌ک			
نقره‌ای	ته‌لایی			
سرمه‌ای	نوقره‌یی			
گندمی	سورمه‌یی			
نارنجی	ئه‌سمه‌ر، گه‌نمی			
	نارنجی			
٧-طعم و مزه‌ها		نام و چِیره‌کان	فارسی	کُردی
			مزّه و طعم	چِیژ، تام
			شیرین	شیرین
			تلخ	تال
			شور	سویر، سوَل
			تند	توون، تون
			ترش	ترش، تورش
			ترش و شیرین	ترش و شیرین
			کم‌ترش	تورش و شیرین
			بی‌مزّه	مزر
			خوش‌مزه	بی‌تام
			مزّه تند	خوش‌تام،
				خو‌ه‌ش تام
				توُخ

کردی	فارسی	دەرس و مەدرەسە	دەرس و مەدرەسە
مانەووە	مردود شدن	دەرس و مەدرەسە	دەرس و مەدرەسە
پۆل	کلاس	وزانسگە	وزانسگە
کەت، سەندەلی	صندلی	کردی	فارسی
میز	میز	خویندنگە،	آموزشگاه
گەچ	گچ	خویندنگە	
نووسین	نوشتن	قوتابخانە،	دبستان
خویندن،	خواندن	دەبستان	
خوەندن		سەرەتایی	ابتدایی
جواب دانەووە	پاسخ دادن	دەبیرستان	دبیرستان
کاری راهیان،	تکلیف	ناوەندی	متوسطه
تە کلێف		زانستگە،	دانشگاه
پراهیان،	تمرین	دانشگا	
تەمرین		رێنوینی	راهنمایی
پەر تووگ،	کتاب	کۆلیج، دانشکە دە	دانشکده
کتیب، کتیو		پەر وەر دەی	تربیت معلّم
دەفتەر	دفتر	مامۆستا	
پینووس، قەلەم	قلم	مامۆستا	معلّم
پینووس، میداد	مداد	قوتابی	دانش آموز
مەرە کە ف	جوهر	خویندکار	دانشجو
ئامادە	حاضر	بەر پرس	مدیر، رئیس
غایب	غایب	دەرز، دەرس	درس
نوینەر	نمایندە	سەرکەوتن،	قبول شدن
لا پەرە	صفحه	دەرچوون	

فهرست	کوردی	۱-خوراک	خورده‌مه‌نی
کاغذ	کاغەز		
شعر	هه‌لبه‌ست	فارسی	کوردی
نثر	په‌خشان	شیر	شیر
گفتار	ویژه، وتار	ماست	ماست، ماس
گفتگو	وت و ویژ	پنیر	په‌نیر، په‌نیر
گفتن	وتن	دوغ	دو
گفته	وته	سرشیر	سه‌ر شیر
نوشته	نووسراوه	کره	که‌ره
مقاله	وتار	عسل	هه‌نگوین /
رساله	نامیلکه		هه‌نگوین
پایان‌نامه، کارنامه	ئیحازه‌نامه،	روغن	پوڤن
	شه‌هاده	دوشاب	دو‌شاو
کتابخانه	په‌رتووک‌خانه،	گوشت	گوشت
	کتیبخانه	نان	نان
کتابفروشی	کتیب‌فروشی،	آرد	ئارد
	کتیو‌فروشی،	تخم‌مرغ	هیلکه، هیلکه
	په‌رتووک‌فروشی	کشک	که‌شک
باسواد	خوینده‌وار،	دوغینه	دوینه / دوینه
	خوه‌نه‌وار	شلغم	شه‌لهم
		دوغبا	دو‌کولیو، دو‌خوا
		آش بغلور	پرویشین
		گندم	گه‌نم
		جو	جو

فارسی	کردی	فارسی	کردی
ذرت	گه رمه شامی	بهرقلیان	صبحانه
حلوا	هه لّوا	قاوه توون	ناهار
کوفته	کفته	شیو	شام
پلو	پلاو	هیلکه و پوون	تخم مرغ و روغن
چلو	چلاو	بوورانی	بورانی
کباب	که باب ، که واو	چیشتهخانه	سالن غذاخوری
خورش	خورش، خوه رشت		
آب گوشت	ئاو و گوشت		
آب جوجه	فـروج ئاو ، فروجاو		
آب جوجه میخوش	ته په که واو		
تلیت، ترید	تریت		
چلو کباب	چلاو و که باب ، چلاو که واو		
چلو خورش	چلاو خوه رشت		
ماهی	ماسی		
گوشت ماهی	گوشت ماسی		
شیربرنج	شیربرنج		
نان گرده	کولیره		
دلمه	دولمه		
کته	که ته		
جوجه	فروج		
فرنی	فرنی		

۱۰- میوه ها	میوه جان	فارسی	کردی
		سیب	سیو، سیف
		به	به ی
		خیار	خه یار
		خیار چنبر	تروزی
		خیار چنبر پیر	کالیار
		خربزه	کاله ک
		هندوانه	شووتی، هه نی
		پرتقال	پرتقال
		موز	مهوز
		نارنگی	نارنگی
		لیمو شیرین	لیمو شیرین

[illegible]

فارسی	کردی	فارسی	کردی
ریحان	ریحان، ریحانه	پیاز	پیاز
مرزه	مه‌رزه	ماش	ماش
شاهی	ته‌ره‌تیزه	عدس	نیسک
پیازچه	ته‌ره‌پیاز	زردچوبه	زه‌رده‌چۆ
گشنیز	گشنی	پودر فلفل	ئالەت
کاهو	کاهوو	فلفل سبز	بیبار
اسفناج	ئه‌سفە‌ناج	سماق	سِماق
چغندر	چۆنه‌ر	لیمو	لیمۆ
برگ چغندر	گه‌لا‌چۆنه‌ر	لیمو عمانی	لیمۆ‌عه‌مانی
بادمجان	بـایـنجان ، بامجان	تره‌تیزک آبی	کووزە‌له
کدو	کووله‌که	١٢ سوایل خانه ئه‌سبابی ناو مأل ، ئه‌سباو ناو مأل	
بامیه	بامیه		
برگ مو	گه‌لامیو		
گوچه‌فرنگی	ته‌ماته ، تۆماتیز		
هویج، زردک	هه‌و‌پ‌ج، گه‌زه‌ر	کردی	فارسی
کنگر	که‌نگر	ئاوینه، ئایه‌نه	آینه
کرفس	که‌ره‌فس،	شیشه	شیشه
	که‌ره‌وس	فرش	فرش
پونه	پوونگه	نه‌وگ	نمد
سبب زمینی	سیفه‌عه‌زیله ،	جاجم	جاجیم
سیر	سیف‌زه‌مینی	گلیم، به‌ره	گلیم
	سیر		

فارسی	کُردی	فارسی	کُردی
قالی	قالی	گلدان	گولدان
لحاف	لێفه	یخچال	سه هوڵدان،
ئُشک	دۆشه ک، دۆشه که		یه خه چال
پتو	په توو	دیگ	مه نهجەل، قازان
ملافه	مه لافه	قابلمه	قاوله مه
متکا	سه رین، سه نگیا	کفگیر	که وگیر
بالش	بالین، سه رین	چاقو	چه قو
رختخواب	پێ خه ف، جیوبان	چراغ	چرا
تختخواب	قه ره و بێله،	کوزه	گۆزه
	ته خت و خاو	آفتابه	ئا فتاوه
حصیر	حه سیر	کتری	کتری
پرده	په رده	نمکدان	خویدان،
قوری	قووری		نمه کدان
استکان	پیاله، ئیسکان	منقل	مه نگه‌ل
نعلبکی	نالبه کی	حوله	خاولی
سماور	سه ماوهر	کبریت	شه مچه، شقارته،
قندان	قه ندان		گوگرد
قاشق	که وچک	چمدان	چه مه ردان
چنگال	چنگال	بخاری	کووره، سوّمپا
بشقاب	ده وری	سوزن	ده رزی
سبد	سه وه ته		
سفره	سفره		
سینی	سینی، قاوه سینی		

۱۳- حیوانات و پرندگان نازەڵ و باڵەکان		فارسی	کردی
	شتر	شتر	و شتر
	گربه	گربه	پشيله، کتک
	مرغ	مرغ	مريشک، مامر
	خروس	خروس	که له شیر
	جوجه	جوجه	جو و جکه،
			جو و جه له
	سگ	سگ	سه گ
	سگ نر	سگ نر	گۆل، گه مال
	سگ ماده	سگ ماده	دیل، دهل
	توله سگ	توله سگ	توله سه گ،
			تووتک
	کبوتر	کبوتر	کووتر
	کبک	کبک	که و
	مرغابی	مرغابی	مرئای، مراوی
	غاز	غاز	قاز
	اردک	اردک	سو نه
	فیل	فیل	فیل، فیل
	گرگ	گرگ	گورگ
	موش	موش	مشک
	مار	مار	مار
	خرگوش	خرگوش	که رویشک،
			که و ریشتک
	روباه	روباه	ریوی
فارسی	کردی		
گوسفند	مه‌ر، په‌ز		
قوچ	به‌ران		
بُز	بزن		
بزنر	خرت		
بزغاله	کارزه‌له، کارزیه		
بَره	به‌رخ		
بز دو ساله	چتوور		
گا و نر	گا		
ماده گا و	مانگا		
گوساله	گویر، گویره که		
اسب	ئه‌سپ		
ماده اسب، مادیان	ماین		
گُره اسب	جوانوو		
قاطر	قاتر		
استر	هیسر		
الاغ	که‌ر		
کره الاغ	هۆلی که‌ر، جاش		
ماده الاغ	ما که‌ر		
الاغ نر	نیره که‌ر		

فارسی	کردی	فارسی	کردی
شیر	شیر	که ژال، ئاسک،	آهو
ببر	به بر	مامز	
پلنگ	پلنگ	گا کیوی بگه وه زن	گوزن
خرس	ورچ	به ران کیوی،	قوج کوهی
خوک	خوو، به راز،	به ران کیفی	
	یه کانه	مه ره کیوی،	گوسفند کوهی
شغال	چه قه ل	مه ره کیفی	
کفتار	که متیار	بولبول، بولبول	بلبل
میمون	مه یموون	تیهیر، تیهیره	پرستو
زرافه	زه رافه	بایله	
جوجه تیغی	ژوژو، ژژگ	قشقه ره	کلاغ
لاک پشت	کیسه ل	حاجی لهق لهق	لک لک
سنگ پشت آبی	ره قه	قه ل، بو قله	بو قلمون
کرم	کرم	تورتی	طوطی
کژدم	دوو پشک،	تاوس	طاووس
	دماره کو ل	بوو، که ره بوو	جغد
عنکبوت	کا کله مووشان،	هه لو	عقاب
	کا کله میشان	دال، داله کهر	کرکس
سار	گاوانی	خوهر	
گنجشک	چوله که، مه لیچک	باز	باز
سهره	سهیره	شاهین	شاهین
قناری	قه ناری	هه نگ	زنبور عسل
گاومیش	گامیش	هه نگه ژاله،	زنبور زرد
		زه رده واله	

		کردی	فارسی
۱۴- افعال مورد نیاز کرداره پیوسته کان		سووره مۆزه،	زنبور سرخ
از مصدر «خواندن»		شهنگه سووره	
له چاوکی «خویندن»		میش	مگس
کردی	فارسی	سپى	شپش
خویندم	خواندم	کیچ	کک
خویندت	خواندی	کولله	ملخ
خویندی	خواند	په پوله، په روانه	پروانه
خویندمان	خواندیم	رشک	رشک
خویندتان	خواندید	قزقانج	سوسک
خویندیان	خواندند	مۆریانه	موریانه
ده خوینم / نه خوینم	می خوانم	میلووره، مروچه	مورچه
ده خوینی / نه خوینی	می خوانی	بووق، قورباق،	قورباغه
ده خوینتی / نه خوینتی	می خواند	قورپواق	
ده خوینین / نه خوینین	می خوانیم	گه نه	کنه
ده خوینن / نه خوینن	می خوانید	ماسی	ماهی
ده خوینن / نه خوینن	می خوانند	مارمولک	مارمولک
بخوینه	بخوان	قورقۆره،	آفتاب پرست
بخوینن	بخوانید	قورپانه زهرده	
مه خوینه	مخوان	قرژال، قرژانگ	خرچنگ
مه خوینن	مخوانید	هه زارپا	هزارپا
نه م خویند ...	نخواندم ...	ئه ژدیها	ازدها
.. ناخوینم ...	.. نمی خوانم		

له‌جاوگی «هاتن»

از مصدر «آمدن»

له‌جاوگی «نووسین»

فارسی	کردی	فارسی	کردی
نو شتم	نووسیم	آمدم	هاتم
نو شتی	نووسیت	آمدی	هاتی
نوشت	نووسی	آمد	هات
نوشتیم	نووسیمان	آمدیم	هاتین
نوشتید	نووسیتان	آمدید	هاتن
نوشتند	نووسییان	آمدند	هاتن
می نویسم	ده‌نووسم / نه‌نووسم	می آیم	دِیم / تِیم
می نویسی	ده‌نووسی / نه‌نووسی	می آیی	دِیی / تِیی
می نویسد	ده‌نووسی / نه‌نووسی	می آید	دِی / تِی
می نویسیم	ده‌نووسین / نه‌نووسین	می آییم	دِیین / تِیین
می نویسید	ده‌نووسن / نه‌نووسن	می آید	دِین / تِین
می نویسند	ده‌نووسن / نه‌نووسن	می آیند	دِین / تِین
بنویس	بنووسه	بیا	بِی
بنویسید	بنووسن	بیائید	بِین
منویس	مه‌نووسه	مِیا	مه‌یه
منویسید	مه‌نووسن	میائید	مه‌یه‌ن
ننو شتم	نه‌م‌نووسی	نیامدم	نه‌هاتم
نمی نویسم	نانووسم	نمی آیم	نایه‌م

<u>له‌چاوگی درفتن</u>	<u>له‌چاوگی دروشتن</u>	<u>از مصدر دانستن</u>	<u>له‌چاوگی دزانین</u>
فارسی	کردی	فارسی	کردی
رفتم	رویشتم	دانستم	زانیم
رفتگی	رویشتی	دانستی	زانیت
رفت	رویشت	دانست	زانی
رفتیم	رویشتین	دانستیم	زانیمان
رفتید	رویشتن	دانستید	زانیتان
رفتند	رویشتن	دانستند	زانییان
می‌روم	ده‌پۆم / ئەپۆم	می‌دانم	ده‌زانم / ئەزانم
می‌روی	ده‌پۆی / ئەپۆی	می‌دانی	ده‌زانی / ئەزانی
می‌رود	ده‌پۆا / ئەپۆی	می‌داند	ده‌زانئ / ئەزانئ
می‌رویم	ده‌پۆین / ئەپۆین	می‌دانیم	ده‌زانین / ئەزانین
می‌روید	ده‌پۆن / ئەپۆن	می‌دانید	ده‌زانن / ئەزانن
می‌روند	ده‌پۆن / ئەپۆن	می‌دائند	ده‌زانن / ئەزانن
برو	برۆ	بدان	بزانه
بروید	برۆن	بدانید	بزائن
مرو	مه‌پۆ	مدان	مه‌زانه
مروید	مه‌پۆن	مدانید	مه‌زانن
نرفتم	نه‌پۆیشتم	ندانستم	نه‌م‌زانی
نمی‌روم	نارپۆم	نمی‌دانم	نازانم

<u>از مصدر «پرسیدن»</u>		<u>له چاوکی «پرسین»</u>		<u>از مصدر «خوردن»</u>		<u>له چاوکی «خواردن»</u>	
فارسی	کردی	فارسی	کردی	فارسی	کردی	فارسی	کردی
پرسیدم	پرسیم	خوردم	خواردم	پرسیدم	پرسیم	پرسیدم	پرسیم
پرسیدی	پرسیت	خوردی	خواردت	پرسیدی	پرسیت	پرسیدی	پرسیت
پرسید	پرسی	خورد	خواردی	پرسید	پرسی	پرسید	پرسی
پرسیدیم	پرسیمان	خوردیم	خواردمان	پرسیدیم	پرسیمان	پرسیدیم	پرسیمان
پرسیدید	پرسیتان	خوردید	خواردتان	پرسیدید	پرسیتان	پرسیدید	پرسیتان
پرسیدند	پرسییان	خوردند	خواردیان	پرسیدند	پرسییان	پرسیدند	پرسییان
می پرسم	ده پرسم / نه پرسم	می خورم	ده خووم / نه خوهم	می پرسم	ده پرسم / نه پرسم	می خورم	ده خووم / نه خوهم
می پرسی	ده پرسى / نه پرسى	می خوری	ده خووى / نه خوہى	می پرسى	ده پرسى / نه پرسى	می خوری	ده خووى / نه خوہى
می پرسد	ده پرسى / نه پرسى	می خورد	ده خوا / نه خوا	می پرسد	ده پرسى / نه پرسى	می خورد	ده خوا / نه خوا
می پرسیم	ده پرسین / نه پرسین	می خوریم	ده خوین / نه خوہین	می پرسیم	ده پرسین / نه پرسین	می خوریم	ده خوین / نه خوہین
می پرسید	ده پرسن / نه پرسن	می خورید	ده خوون / نه خوہن	می پرسید	ده پرسن / نه پرسن	می خورید	ده خوون / نه خوہن
می پرسند	ده پرسن / نه پرسن	می خورند	ده خوون / نه خوہن	می پرسند	ده پرسن / نه پرسن	می خورند	ده خوون / نه خوہن
بپرس	بپرسه	بخور	بخو	بپرس	بپرسه	بخور	بخو
بپرسید	بپرسن	بخورید	بخوون / بخوہن	بپرسید	بپرسن	بخورید	بخوون / بخوہن
مپرس	مه پرسه			مپرس	مه پرسه		
مپرسید	مه پرسن	مخور	مه خو	مپرسید	مه پرسن	مخور	مه خو
		مخورید	مه خوون / مه خوہن			مخورید	مه خوون / مه خوہن
نپرسیدم	نهم پرسى	نخوردم	نهم خوارد	نپرسیدم	نهم پرسى	نخوردم	نهم خوارد
نمی پرسم	ناپرسم	نمی خورم	ناخووم / ناخوہم	نمی پرسم	ناپرسم	نمی خورم	ناخووم / ناخوہم

له چاوگی «بیستن»	از مصدر «شنیدن»	له چاوگی «ناردن»	از مصدر «فرستادن»
کردی	فارسی	کردی	فارسی
بیستم	شنیدم	ناردم	فرستادم
بیستت	شنیدی	ناردت	فرستادی
بیستی	شنید	ناردی	فرستاد
بیستمان	شنیدیم	ناردمان	فرستادیم
بیستتان	شنیدید	ناردتان	فرستادید
بیستیان	شنیدند	ناردیان	فرستادند
ده بیسم / ئه بیسم	می شنوم	ده نیڤم / ئه نیڤم	می فرستم
ده بیسی / ئه بیسی	می شنوی	ده نیڤی / ئه نیڤی	می فرستی
ده بیسی / ئه بیسی	می شنود	ده نیڤی / ئه نیڤی	می فرستد
ده بیسین / ئه بیسین	می شنویم	ده نیڤین / ئه نیڤین	می فرستیم
ده بیسن / ئه بیسن	می شنوید	ده نیڤن / ئه نیڤن	می فرستید
ده بیسن / ئه بیسن	می شنوند	ده نیڤن / ئه نیڤن	می فرستند
		بنیره	بفرست
ببیسه	بشنو	بنیڤن	بفرستید
ببیسن	بشنوید		
مه بیسه	مشنو	مه نیڤه	مفرست
مه بیسن	مشنوید	مه نیڤن	مفرستید
		نهم نارد	نفرستادم
نهم بیست	نشنیدم	نانیڤم	نمی فرستادم
نابیسم	نمی شنوم		

<u>له‌چاوگی «دانستن»</u>	<u>از مصدر «نشستن»</u>	<u>له‌چاوگی «ناسبن»</u>	<u>از مصدر «شناختن»</u>
کردی	فارسی	کردی	فارسی
دانیشتم	نشستم	ناسیم	شناختم
دانیشتی	نشستی	ناسیت	شناختی
دانیشت	نشست	ناسی	شناخت
دانیشتین	نشستیم	ناسیمان	شناختیم
دانیشتن	نشستید	ناسیتان	شناختید
دانیشتن	نشستند	ناسییان	شناختند
داده‌نیشم / دانه‌نیشم	می‌نشینم		می‌شناسم
داده‌نیشی / دانه‌نیشی	می‌نشینی	ده‌ناسم / ئە‌ناسم	می‌شناسی
داده‌نیشی / دانه‌نیشی	می‌نشیند	ده‌ناسی / ئە‌ناسی	می‌شناسی
داده‌نیشین / دانه‌نیشین	می‌نشینیم	ده‌ناسی / ئە‌ناسی	می‌شناسد
داده‌نیشن / دانه‌نیشن	می‌نشینید	ده‌ناسین / ئە‌ناسین	می‌شناسیم
داده‌نیشن / دانه‌نیشن	می‌نشینند	ده‌ناسن / ئە‌ناسن	می‌شناسید
		ده‌ناسن / ئە‌ناسن	می‌شناسند
دابــــنیشه	بنشین		بشناس
	(دانیشه)	بناسه	بشناس
دابنیشن (دانیشن)	بنشینید	بناسن	بشناسید
دامه‌نیشه	منشین	مه‌ناسه	مشناس
دامه‌نیشن	منشینید	مه‌ناسن	مشناسید
دانه‌نیشتم ...	ننشستم	نه‌ناسی	نشناختم
دانانیشم ...	نمی‌نشینم	ناناسم	نمی‌شناسم

۱۵- وازه‌های مفید - وشه به که لکه کانی تر، دبگر وشه که ل به ده ر دبخواه تر		له چارگی دتیر بوون،	از مصدر «یاد گرفتن»
کردی	فارسی	کردی	فارسی
ئاوده‌س	توالت	فیژ بووم	یاد گرفتم
ئابووری	اقتصاد	فیژ بووی	یاد گرفتی
ئاپۆ	عمو	فیژ بوو	یاد گرفت
ئاتاج	محتاج	فیژ بووین	یاد گرفتیم
ئاخافتن	گفتگو	فیژ بوون	یاد گرفتید
ئاخله	هاله ماه	فیژ بوون	یاد گرفتند
ئارخه یان	مطمئن	فیژ ئه‌بم /	یاد می‌گیرم
ئارسم	زکام	فیژ ئه‌وم	
ئارمانج	هدف	فیژ ئه‌بی / فیژ ئه‌وی	یاد می‌گیری
ئاروشک - پژمه	عطسه	فیژ ئه‌بی / فیژ ئه‌وی	یاد می‌گیرد
ئاکام	آجل، انجام	فیژ ئه‌بین / فیژ ئه‌وین	یاد می‌گیریم
ئامانج	هدف، مرام	فیژ ئه‌بن / فیژ ئه‌ون	یاد می‌گیرید
ئامۆچیار	پند، اندرز	فیژ ئه‌بن / فیژ ئه‌ون	یاد می‌گیرند
ئامۆژگاری	پند، اندرز		
ئامیر	ابزار	فیژ ببه (فیژ به)	یاد بگیر
ئهرک	وظیفه، مسؤلیت	فیژ بین (فیژ بن)	یاد بگیرید
بابۆله	ساندویچ		
باژیر	شهر، بازار	فیژ مه‌به / فیژ مه‌وه	یاد بگیر
بالويز	سفیر	فیژ مه‌بن / فیژ مه‌ون	یاد بگیرید
بزمار	میخ		
بلویر	نی لبک	فیژ نه‌بووم / فیژ نه‌وم	یاد نگرفتم
بناغه	اساس و شالوده	فیژ ناوم	یاد نمی‌گیرم
بیرمه‌ند	اندیشمند		

فارسی	کردی	فارسی	کردی
شنونده	بیسەر	قهر کرده،	رووگیر
ناتوان	بی هیز	خجالت زده	
شناسایی	پیناسه	اخمو	رووگرژ
شناسنامه	پیناس	گشتی	زۆران
آبشار	تاڤگه	کشتی گیر ماهر	زۆران باز
موفق شدن	تی هینان	مستقل، آزاد،	سه ربه خو
طمعکار، حسود	چاوچنۆک	آزادی	سه ربه خوویی
مصدر فعلی	چاوگ	آزاد	سه ربه ست
ناظر	چاویار	آزادی	سه ربه ستی
نظارت	چاویاری	مطیع، فرمانبردار	سه رخوار
ناظر	چاوه دیڕ	دقت	سه رنج
نظارت	چاوه دیڕی	دقت کردن	سه رنج دان
چشم به راه	چاوه نهیڕ	پژوهنده، پژوهشگر	سه رنج ده‌ر
چشم به راه،	چاوه ری	قافیه شعر	سه روا
امیدوار		تمدن، زندگی شهری	شارستانی
چشم درد	چاویشه	جهانگرد	شارانگه‌ر
پاکیزه	خاوین	فرستاده	شان‌دی
مخالفت	دژایه تی	شنونده	گوینگر
رنجیده خاطر	دل‌مه‌ن	منظور	مه به ست
خسین	دل نزم	احساس کننده،	هه ستیار
کارشناس	دوورناس	شاعر و ادیب	
نامزد	ده‌زگیران	احساس	هه ست
منظره	دیمه‌ن	حواس، اندامهای	هه ستکار
اندازه، کیفیت	را‌ده	حس کننده	
مرتب، معلّم	راهین		
خوش رو	رووگه‌ش		

Sorāni Kurdish Grammar

By:

Dr. Ali Rokhzadi

Faculty member

